

"شناسایی مهارت‌های عمومی مورد نیاز دانشجویان در مقطع کارشناسی به منظور ارائه راهکار برای بهبود وضع موجود"

حمید محمودی^۱ - عبدالرحیم نوه ابراهیم^۲ - حمیدرضا آراسته^۳ - حسین عباسیان^۴

چکیده

الگوهای قدیمی مهارت‌های عمومی زندگی گرچه برای انسانهای امروزی مفیدند اما کفایت نمی‌کنند و با گذشت زمان و ظهور پدیده‌های جدید، ضرورت کسب مهارت‌های نو اجتناب‌ناپذیر می‌شود. حل بسیاری از مسایل امروز ایران نیاز به تخصص پیچیده‌ای ندارد، بلکه نداشتن مهارت‌های عمومی زندگی باعث به وجود آمدن چنین شرایطی شده است؛ شناسایی مهارت‌های عمومی جدید بر اساس تغییرات ملی و جهانی، مساله بسیار مهمی است که لازم است بدان پرداخته شود. پژوهش حاضر، در حیطه تحقیقات کاربردی و توسعه‌ای طبقه‌بندی می‌شود و با توجه به موضوع آن که به "شناسایی مهارت‌های عمومی دانشجویان در دوره کارشناسی" مربوط می‌شود از روش کیفی استفاده شده است. به منظور پاسخ به سوال تحقیق که در مورد شناسایی مهارت‌های عمومی دانشجویان کارشناسی بود، محققان ۹۵ اثر مرتبط با این کار پژوهشی را بررسی و لیستی شامل ۲۰۴ مورد از مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی را از ادبیات استخراج و سپس با حذف موارد بسیار نزدیک یا کاملاً یکسان به یک فهرست ۱۱۱ موردی رسیدند. به منظور اعتباریابی مهارت‌های استخراج شده از ادبیات پژوهش، از روش دو مرحله‌ای دلفی (که یکی از انواع روش‌های پیمایشی است) استفاده شد و از نظرات تعداد ۲۵ نفر از خبرگان بهره گرفته شد. پس از اجرای مرحله اول دلفی یعنی پس از حذف مولفه‌هایی که همپوشانی داشتند و اضافه کردن مولفه‌هایی که در لیست استخراج شده از ادبیات تحقیق وجود نداشت و توسط خبرگان و کارشناسان به این لیست اضافه شده بود، مجموع مولفه‌ها به ۷۱ مورد رسید. در مرحله دوم دلفی، مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی که مورد بررسی و تایید خبرگان قرار گرفته بود با الهام گرفتن از حلقه دوم مدل 4H در هشت طبقه (کارکردن-بخشیدن-مراقبت-ارتباط-تفکر-مدیریت-وجود داشتن و زندگی کردن) دسته‌بندی شدند. این مهارت‌ها و دسته‌بندی آنها در طبقات یاد شده به تایید خبرگان رسید. دانشجویان برای کار، زندگی و موفقیت در دنیای امروز نیاز به مهارت‌های جدیدی دارند که در گذشته ضرورت نداشته است؛ از این رو، بروز رسانی آموزش عمومی می‌تواند از بروز بسیاری از مسایل و مشکلات جلوگیری کند. تحقیقات متعدد در زمانهای مختلف حکایت از ضرورت به روز رسانی مستمر این مهارت‌ها دارد.

کلیدواژه‌ها

آموزش عمومی - مهارت‌های زندگی - مهارت‌های عمومی دانشجویان کارشناسی - آموزش عالی

مقدمه

در عصری که از جهان به عنوان دهکده جهانی یاد می‌شود دانشجویان انتظار دارند که در زمان دانش آموختگی، علاوه بر داشتن مهارت تخصصی لازم برای به عهده گرفتن شغلی مناسب برای توسعه و خدمت به جامعه و البته امرار معاش، از مهارت‌های عقلانی و استدلالی لازم جهت حل مسایل نیز برخوردار باشند؛ نیل به این اهداف مستلزم این است که آموزش در دانشگاه در اولویت قرار گیرد و هیأت علمی آرمان‌های آموزش عمومی را به موازات پژوهش‌های علمی برای تحقق بخشیدن به انواع نیازها و انتظارات در جامعه پیش ببرند. اما در جهان امروز که شهروندان همه کشورها حداقل دو نقش (شهروند ملی و شهروند جهانی) در زندگی خود ایفا می‌کنند. به تعبیر آراسته (۱۳۸۷)، دانشگاه‌ها باید به نیازهای دانشجویان برای کسب شایستگی‌های ملی و جهانی اهتمام ورزند. حیطه‌ی آموزش عمومی در آموزش عالی در کنار حیطه‌های تخصصی، پژوهشی و توسعه‌ی دانش از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ خصوصاً در دنیای کنونی بیش از پیش نیاز به دانش آموختگان دارای اطلاعات و مهارت‌های عمومی، توانمند در دسترسی به اطلاعات، برقراری ارتباطات مؤثر، تجزیه و تحلیل مسائل و ارائه‌ی راه‌حلهای، تفکر خلاق و شناسایی محیط ملی و بین‌المللی احساس می‌شود (عارفی و همکاران، ۱۳۸۸).

بیان مساله

پیچیدگی کار در آموزش عالی به این خاطر است که در دنیای پیچیده امروزی همه افراد و گروه‌ها انتظاراتی از آموزش عالی دارند و دانشجویان بیش از پیش به مهارت‌های غیر حرفه‌ای و آزاداندیشی نیاز دارند. برای تبیین این مفهوم باید در نظر داشته باشیم

1 دانشجوی دکترای آموزش عالی mhamid19@yahoo.com

2 استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی navehebrahim@khu.ac.ir

3 استاد دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی arastehhr@khu.ac.ir

4 استادیار دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی h_abbasian@khu.ac.ir

که آموزش عالی مشروعیت خود را از دو فلسفه ی معرفت شناختی^۱ و سیاسی^۲ می گیرد که براساس فلسفه معرفت شناسی، دانشجویان باید با کاوش و کنجکاوی خود بکوشند تا جهان را بهتر بشناسند و براساس فلسفه سیاسی، دانشجویان باید به حل معضلات اجتماعی توجه داشته باشند (آراسته، ۱۳۸۲).

بعد از وقوع دو جنگ جهانی در قرن بیستم بسیاری از علما و فلاسفه به این نتیجه رسیدند که علوم تجربی و فنی به تنهایی نمی توانند ادامه تمدن بشری را تضمین کنند (گلشنی، ۱۳۹۲). لازم به ذکر است که ادامه تحصیل مهندسان در دوره های علوم انسانی در مقطع کارشناسی ارشد بیانگر وجود ضعف رشته های مهندسی در این زمینه است که متخصصان شاغل در صنعت را ملزم به یادگیری این مباحث به عنوان دروس تحصیلات تکمیلی می کند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۵). به نظر می رسد محدود کردن دروس عمومی در دانشگاه های ایران به چند درس خاص، پاسخ گوی نیازهای جامعه نیست. خصوصا اینکه نیازهای فردی و اجتماعی دائما در حال تغییرند و رفته رفته سرعت این تغییرات افزایش می یابد و در برخی حوزه ها این سرعت باورنکردنی و به شدت چالش برانگیز است. در هم تنیدگی زندگی امروز بشر، کسب مهارتهای عمومی برای حل مسایلی که هر روز و هر ساعت در حال دگر دیسی هستند را اجتناب ناپذیر می سازد. بنابراین چگونه می توان با سلاحهای ابتدایی چند دهه پیش به جنگ دشمنی با سلاحهای پیشرفته امروزی رفت!

دسترسی عمومی به آموزش عالی، تنوع مراکز آموزش عالی و نقش جدیدی که افراد در جامعه جهانی به عنوان شهروند جهانی پیدا کرده اند، این انتظار را ایجاد می کند که ویژگیهایی که افراد در پایان دوره تحصیلات دانشگاهی باید داشته باشند متفاوت از ویژگیهایی باشد که دانش آموختگان در اعصار گذشته در پایان دوره به آن ویژگیها مزین می شدند. گرچه مک لوهن برای اولین بار در دهه ۱۹۶۰ موضوع دهکده جهانی و تغییرات فرهنگی جوامع را مطرح کرد (آراسته، ۱۳۸۷)، اما اثرات جهانی شدن و نیاز به همسویی با این تغییرات برای بشر در همه دوره ها اجتناب ناپذیر به نظر می رسد و این تغییرات این روزها بیشتر شده و هماهنگ شدن با این تغییرات برای همه جوامع بشری ضرورت دارد؛ بنابراین ثابت نگه داشتن یک برنامه درسی یا محتوای یک بخش مهم از برنامه درسی آموزش عالی که همان آموزش عمومی است چندان منطقی به نظر نمی رسد. نیاز بیش از پیش دانش آموختگان به اطلاعات و مهارت های عمومی، توانمندی در دسترسی به اطلاعات، برقراری ارتباطات مؤثر، تجزیه و تحلیل مسائل و ارائه راه حل ها، تفکر خلاق و شناسایی محیط ملی و بین المللی ضرورت وجود دروس عمومی دانشگاه ها را تبیین می نماید (قاسم پور و همکاران، ۱۳۹۴).

حل بسیاری از مسایل امروز جهان به ویژه مسایل ایران نیاز به تخصص پیچیده ای ندارد، بلکه نداشتن مهارتهای عمومی زندگی باعث به وجود آمدن چنین شرایطی شده است؛ نزاع های خیابانی، گرفتار شدن بسیاری از جوانان در دام اعتیاد (به انواع مخدرها)، ناتوانی جوانان در مدیریت زندگی خانوادگی و افزایش آمار طلاق، روی آوردن به حاشیه نشینی و ترک دیار پدر و مادری، استفاده از پوشش های بسیار نامناسب، بی رغبتی جوانان به ازدواج و روی آوردن به ازدواج سفید، ریختن زباله و آلوده کردن آب و خاک، استفاده نابجا از وسایل نقلیه شخصی و آلوده کردن هوا، روی آوردن به مشاغل کاذب و گاهی مشاغل غیرقانونی و غیر انسانی به منظور یک شبه راه صدساله رفتن، شیوع بیماریهای مرتبط با الگوی نامناسب مصرف مواد غذایی، استفاده نادرست از منابع آبی، ایجاد عادات نادرست رانندگی، اتلاف وقت مفید افراد جوان خصوصا دانشجویان توسط خودشان، استفاده نادرست از فضای مجازی و فاصله گرفتن جوانان از شیوه های درست زندگی ایرانی بخشی از مسایل امروز ایران هستند که تقریبا همه آنها قابل حل و قابل پیشگیری می باشند. کمی تامل در باب هر یک از این آسیبها نشان می دهد که افراد برای حل این مسایل نیاز به مهارتهای عمومی مناسب دارند. درحالی که وقتی افراد عادی به خاطر نداشتن مهارتهای عمومی گرفتار چنین مسایلی می شوند بسیاری از افراد متخصص برای رهایی آنها تلاش می کنند و توفیق چندان حاصل نمی شود؛ به عبارت دیگر نبود مهارتهای عمومی در افراد عادی مسایلی را ایجاد می کنند که مهارتهای تخصصی افراد متخصص هم توان حل آنها را ندارد. اما به فرض پذیرفتن ضرورت تغییرات، چگونگی تغییرات، افراد و ادراک شرایط برای اعمال تغییرات و کمیت و کیفیت آن هم چنان چالش برانگیز است و نیاز به مطالعه و بررسی دقیق و موشکافانه دارد. این تحقیق به منظور شناسایی مهارت های عمومی مورد نیاز دانشجویان در مقطع کارشناسی انجام شده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

آموزش عالی مسئولیت ویژه ای نسبت به خود، دانشجویانش، حرفه های تخصصی و جامعه ای که منابع اقتصادی را برای دانشگاهها فراهم می کند، دارد. این مسئولیت شامل بررسی دقیق راههای پرورش مسئولیت پذیری است. دانشگاه همی توانند این خطرا بپذیرند که رهبر اخلاقی دنیای مدرن باشند. هر وقت تصور کنیم که آموزش یعنی فقط توانایی تخصصی در یک حوزه دانش خاص، در این صورت ما به خودمان و دانشجویانمان و جامعه آسیب رسانده ایم. آموزش هیچ گاه فعالیتی خنثی و

¹ Epistemological

² Political

فقدان ارزش نبوده و نیست (دبرا^۱، ۲۰۱۳). گرچه طرفداران سیاست درهای باز، دانشگاه را پلی برای ورود همه افراد به جامعه آینده می دانند اما در مورد هدف و محتوای آموزش عالی چه تخصصی و چه عمومی با قطعیت سخن نمی گویند؛ در آموزش عالی امروزی در مورد آموزش مهارت‌های عمومی در دانشگاه اختلاف نظر وجود دارد. با وجود اجرای قانون گرشام^۲ دانشگاهی در آموزش عالی فعلی جهان (بروبکر^۳، ۱۹۸۲)، همچنان عده ای معتقدند که دانشگاه برای اهداف مهمی چون پژوهش و آموزش تخصصی به وجود آمده است و حتی دانشگاه‌هایی که در کنار پژوهش و آموزش تخصصی برای آموزش عمومی اهمیت قابل هستند به نظر می رسد آموزش عمومی به روز و کارآمدی ندارند و آن بخش از مهارت‌هایی که دانش آموخته ی عصر جهانی شدن به آنها نیاز دارد در مجموعه ی برنامه آموزشی آنها گنجانده نشده و به عبارت دیگر مغفول مانده است.

همان طور که عبارت "آموزش عمومی" نشان می دهد، آموزش عمومی خاص فراگیرندگان يك رشته ی خاص علمی نیست و برای همه فراگیرندگان و دانشجویان در نظر گرفته شده است. آموزش عمومی ظهور روح دموکراتیک در آموزش عالی است که توانایی های وسیع تر و گسترده تری را برای طالبان خود فراهم می کند. آموزش عمومی، بیشتر در رابطه با یادگیرنده است تا محتوی. هدف آن توسعه فردی در جنبه های مختلف است و تاکید بر سودمندی رفتاری و اجتماعی دارد و همچنین به توسعه فکری به عنوان یک نتیجه یادگیری می نگردد (زاید^۴، ۲۰۱۳). رویکردهای موجود در نظامهای آموزشی بر جنبه های گوناگونی از وجود انسان تاکید می کند. مروری بر این نظامها نشان از تمرکز یک یا برخی رویکردها دارد. در نظام آموزشی کشور ما و نیز بیشتر نظام های آموزشی دنیا، برنامه های درسی و آموزشی، عمدتاً حیطه شناختی فراگیران را مورد توجه قرار داده است. این رویکرد افرادی با قدرت تفکر محدود، تک بعدی، غیر منطقی و مغرور را پرورش می دهد. پرورش حیطه شناختی نیز عمدتاً بر مبنای برنامه های درسی و کتاب محور است که این روش طی دهه های اخیر تشدید یافته و در نتیجه نظام های تعلیم و تربیت از پرورش سایر حیطه های وجودی فراگیران غفلت کرده و بیش از همه بر کسب دانش و باورهای معقول حیطه شناختی تاکید نموده است (فلاحی و همکاران، ۱۳۹۴). در برخی از دانشگاه های دنیا، برنامه ی درسی عمومی در حیطه واحدهای اختیاری درسی معرفی می شوند تا دانشجویان با توجه به نیازهای خود به انتخاب آن ها بپردازند. در برخی دیگر از دانشگاه ها از جمله در دانشگاه های ایران، این واحدها به صورت کاملاً تعریف شده و محدود ارائه می شوند و این نوع تنوع قاعده‌تاً به عوامل متعددی بستگی دارد. صرف نظر از عوامل ایجاد تنوع در برنامه های درسی عمومی، این نکته ی مهم مورد تاکید قرار گرفته است که بخش عمومی برنامه ی درسی، بخش مهمی از برنامه های درسی آموزش عالی را تشکیل می دهد و ضرورت پرداختن به آن روز به روز بیشتر می شود.

ایران در سال ۲۰۱۸ از نظر فرار مغز^۵ در دنیا با شاخص ۶/۲ نسبت به میانگین جهانی که ۵/۶۴ بود، خواسته یا ناخواسته جزو کشورهای با وضعیت نامناسب از این نظر به شمار می رود، (سایت گلوبال اکونومی^۶، ۲۰۱۹) و عده زیادی از این افراد با وجود استعدادها و توانایی های بسیار بالا پس از پایان تحصیل قادر به یافتن شغل مناسب، کارآفرینی و خوداشتغالی نیستند. شاید این افراد در اثر پرورش صحیح در آموزش عالی کشور و فراگیری مهارت‌های عمومی مورد نیاز بتوانند در داخل کشور به خواسته هایشان برسند و مجبور به مهاجرت از وطن نشوند.

در جامعه ای مانند ایران، نیاز به توجه به مسایل طرح شده یعنی آموزش مهارت‌های عمومی بیش از سایر جوامع احساس می شود، زیرا افراد در جامعه ای زندگی می کنند که فرهنگ آن متأثر از فرهنگ اسلامی، فرهنگ ایرانی و فرهنگ جهانی است. حال، با شناسایی مهارت‌های عمومی مورد نیاز دانشجویان در عصر فعلی، می توان اولین قدم را در مطالعه وضعیت موجود و حرکت به سوی شناسایی راهکارهای بهبود آن برداشت. شناسایی مهارت‌های عمومی جدید براساس تغییرات ملی و جهانی، مساله بسیار مهمی است که لازم است بدان پرداخته شود. برخی از مطالعات انجام شده در گذشته مهارت‌ها و ویژگیهای دانشجویان ایرانی را بررسی و شناسایی نموده و برخی نیز به بازنگری دروس عمومی دوره کارشناسی پرداخته است که در ادامه تعدادی از آنها را مرور می کنیم:

-آراسته^۷ (۱۳۸۷) در مطالعه ای تحت عنوان "جهانی شدن و آموزش عالی در دنیای در حال تغییر" موضوع جهانی شدن و چالشهای آموزش عالی در این عصر و نیازهای دانشجویان برای کسب شایستگی های ملی و جهانی را بررسی کرده است. وی ضمن بررسی دغدغه های جهانی شدن، ویژگی های دانشجویان در عصر جهانی شدن را مورد مطالعه قرار داده است و ویژگی های دانشجویان ایرانی در عصر جهانی شدن را در چهار گروه نگرشی، دانشی، رفتاری و مهارتی دسته بندی کرده است:

¹ Deborah

² Gresham's law

³ Brubacher

⁴ Zayed

⁵ Brain drain

⁶ https://www.theglobaleconomy.com/rankings/human_flight_brain_drain_index/

نگرشی: داشتن عرق ملی و مذهبی، امید به آینده، حساسیت به وقایع ملی و بین المللی، ظلم ستیزی، علاقمندی به ورزش، علاقه به هنر، علاقمندی به فعالیتهای داوطلبانه، مردمی بودن، احترام به تفاوتهای فردی اجتماعی و فرهنگی، وجدان کاری، پاس داشتن زبان فارسی

دانشی: آشنایی با مذاهب و فرهنگ های دیگر، سواد اطلاعاتی، آگاهی از موضوعات جهانی، آشنایی با سازمانهای بین المللی، شناخت نسبت به تاریخ و جغرافیای کشور، اعتقاد به تغییر و تحول، آشنایی با فناوری اطلاعات و ارتباطات، اعتقاد به وابستگی های متقابل انسانها، شناخت از تفاوتهای سیاسی.

رفتاری: رعایت اخلاق و شئون ملی و اسلامی، یادگیری مستمر، حفظ محیط زیست، احترام به شان و مرتبه انسانها، تلاش برای بهبود زندگی خود و دیگران، اهتمام به فعالیتهای ورزشی، اهتمام به فعالیتهای هنری، انجام فعالیتهای خیرخواهانه، ریسک پذیری

مهارتی: داشتن شایستگیهای تخصصی، اعتماد به نفس، اجتماعی بودن، توانایی در ایجاد ارتباطات بین المللی، انعطاف پذیری، حل مسایل به صورت مسالمت آمیز، توانایی در انجام کارگروهی، توانایی در گوش فرا دادن، استفادن بهینه از منابع، داشتن تفکر انتقادی و قدرت تحلیل

- **عارفی و همکارانش (۱۳۸۸)**، "ضرورت و راهکارهای بهبود برنامه درسی دروس عمومی دوره کارشناسی" را با استفاده از روش توصیفی- پیمایشی مورد مطالعه قرار دادند. ایشان میزان ضرورت برنامه درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و سپس راهکارهای بهبود این برنامه با در نظر داشتن نظرات دانشجویان و استادان این دانشگاه را در قالب دو سرفصل راهکارهای موضوعی- محتوایی و انگیزشی- ساختاری مورد بررسی و اولویت گذاری قرار دادند. نتیجه این تحقیق نشان داد که وجود برنامه درسی عمومی آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان و استادان ضروری است و راهکارهای موضوعی- محتوایی برای بهبود برنامه درسی عمومی آموزش عالی از اولویت بیشتری برخوردارند.

از دیدگاه دانشجویان دروس معارف اسلامی دارای کمترین ضرورت می باشد و دروس تنظیم خانواده زبان خارجه و تربیت بدنی بیشترین ضرورت را در بین دروس عمومی دارا هستند. از دیدگاه اعضای هیئت علمی کمترین ضرورت بین دروس عمومی به درس فارسی عمومی در راستای تقویت قدرت تحلیل و نقد دانشجویان اختصاص یافته و بیشترین میزان ضرورت مانند دانشجویان به درس تنظیم خانواده داده شده است.

کاهش تعداد واحد های دروس معارف اسلامی و بازنگری در محتوا و عناوین دروس عمومی دانشگاه ها از اولویتهای بالای مورد نظر دانشجویان و استادان برای بهبود برنامه درسی عمومی آموزش عالی محسوب می شود اختیاری بودن انتخاب دروس عمومی دانشگاهی نیز از اولویتهای بالای مورد نظر دانشجویان است ولی گویا این راهکار از اولویت چندان برای استادان برخوردار نیست و در عوض برنامه ریزی غیرمتمرکز و تصمیم گیری درباره دروس عمومی توسط خود دانشگاه ها مورد توجه و در اولویت های بالای مورد نظر استادان بوده است که البته این مهم جزء اولویتهای بالای دانشجویان قرار نگرفته است.

- **فرمehنی فراهانی و پیداد (۱۳۸۹)**، در کتاب خود با عنوان "مهارتهای زندگی، ده مهارت کلیدی به همراه مهارتهای زندگی در نهج البلاغه و نهج الفصاحه" مهارتهای زندگی را در دو بعد درون فردی و برون فردی تقسیم بندی می کنند: بعد درون فردی شامل: مهارت خودآگاهی، خردورزی، عزت نفس، صبوری و شکیبایی، مقابله با بخل ورزی، مقابله با حرص و طمع، مقابله با ترس، قناعت، استفاده درست از وقت. بعد برون فردی شامل: مهارت مقابله با دنیاپرستی، تکریم در روابط اجتماعی، همدلی و خیرخواهی، خوش خلقی و حسن سلوک در روابط اجتماعی، مقابله با حسدورزی، مقابله با غرور و خودبینی در روابط اجتماعی، جود و سخاوت، کمک و همیاری.

- **عبدالوهابی و همکارانش (۱۳۹۱)** در پژوهشی با عنوان "مهارت های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن" با الهام گرفتن از مدل طبقه بندی مطالعات ضروری (1990) و بانک جهانی (2003) که شامل چهار طبقه مهارتهای فنی، روش شناسی، اجتماعی و رفتاری می شود مؤلفه هایی چون مهارتهای ارتباطی، انعطاف پذیری، کار گروهی، حل مسئله، مهارت فناوری و مسئولیت پذیری را مورد بررسی قرار دادند. یافته های ایشان نشان داد که میانگین مهارت های دانشجویان این دانشگاه در سطح تقریباً متوسط قرار دارد که کمترین میانگین مربوط به مؤلفه سواد رایانه ای و بیشترین میانگین مربوط به کار گروهی بود؛ میانگین مهارت های دانشجویان نسبت به میانگین مطلوب تفاوت معنادار داشت. به طوری که میزان مهارت مسئولیت پذیری و کار گروهی به طور معناداری از میانگین مطلوب بالاتر اما میانگین میزان مهارت های دانشجویان در ایجاد ارتباط، حل مسئله، انعطاف پذیری و سواد رایانه ای به طور معناداری از میانگین مطلوب کمتر بود. از دیگر نتایج این پژوهش وجود داشتن تفاوت معنادار بین میانگین مهارت های ارتباطی، مسئولیت پذیری و کار گروهی در دانشجویان زن و مرد و نیز وجود داشتن تفاوت معنادار میانگین سواد رایانه ای بین دانشجویان رشته های مختلف و سالهای مختلف تحصیلی بود.

- جعفری و یارمحمدی واصل (۱۳۹۵) در مقاله ای با عنوان "رهیافت هایی از مهارت های زندگی در نهج البلاغه" پس از مطالعه متن نهج البلاغه به روش کتابخانه ای، متون موردنظر را جمع آوری، انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. یافته ها بیانگر الگوی مهارت های زندگی در چارچوب بیانات امام علی (ع) و نهج البلاغه بود، این یافته ها شامل مهارت های زندگی، شاخص های ارتباط مطلوب با مردم، نحوه مدیریت خشم، ترس، راهبردهای کاهش حزن و اندوه، شناخت خود، همدلی و همیاری با مردم، خلاقیت، انتقادپذیری، تصمیم گیری و حل مسأله بود که حضرت امیر (ع) با فصاحت و بلاغت تمام به این مسائل پرداخته اند. به تعبیر محققان الگوی ایشان با بسیاری از الگوهای امروزه روانشناسی برای زندگی هم پوشانی دارد.

- اسفندیاری (۱۳۸۳) نیز در پژوهشی در باره مهارت های مورد نیاز در زندگی بزرگسالان از دیدگاه صاحب نظران تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه ریزی درسی متوسطه نظری و دانش آموزان نظری دبیرستان های بزرگسالان دولتی شهر تهران در شش طیف کلی مهارت های ذهنی - شناختی، فردی - زیستی، ارتباطات میان فردی، مهارت های خانوادگی، مهارت های محل کار و شهروندی بررسی کرد. یافته های او نشان داد که از دیدگاه هر سه گروه مورد مطالعه مهارت های شهروندی در اولویت اول، مهارت های فردی - زیستی در اولویت دوم، مهارت های محل کار در اولویت سوم و مهارت های ذهنی - شناختی در اولویت آخر قرار گرفته است.

- شتتمان^۱ و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهش خودبا عنوان "تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر محیط پیرامون معلمان و خودکارآمدی" نشان میدهند که آموزش مهارت های زندگی در چهار حوزه شناسایی پیشرفت یا هدف در زندگی، حل مسأله و تصمیم گیری، روابط بین فردی و حفظ سلامت جسمی بر محیط زندگی و کارایی شخصی تأثیر بسزایی دارد.

- تاتل^۲ و همکاران (۲۰۰۶) در پژوهش خودبا عنوان "آموزش مهارت های مثبت زندگی بزرگسالان برای نوجوانان پرخطر" نشان میدهد که آموزش مهارت های زندگی در نوجوانان منجر به ارتقای توانایی های تصمیم گیری، ارتباطات، افزایش اعتماد به نفس می شود.

- منسیلا و چکسون (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان "آموزش توانایی جهانی شدن: آماده کردن جوانانمان برای مشارکت در امور جهان" چهار توانایی زیر را برای توانمندی دانشجویان در عصر جهانی برشمرده اند: ۱- بررسی جهان ماورای محیط اطراف خود؛ ۲- شناخت ویژگی های خود و دیگران؛ ۳- برقراری ارتباط مؤثر بین ایده های مخاطبان متفاوت؛ ۴- انجام فعالیت برای بهبود شرایط

- هلدنفلس^۳ و همکارانش (۲۰۱۱) در هیئت هماهنگی آموزش عالی تگزاس در "بازنویسی برنامه اصلی ایالت: تمرکز بر صلاحیت های قرن بیست و یکم، ضمن ارائه گزارشی در مورد توصیه هایی برای آموزش دوره کارشناسی شش هدف برنامه درسی این ایالت را مهارت های تفکر انتقادی، مهارت های ارتباطی، مهارت های کمی و تجربی، کار گروهی، مسئولیت اجتماعی و مسئولیت شخصی برمی شمارند. ایشان عناصر اصلی دوره برای رسیدن به این اهداف را شامل ارتباطات، ریاضیات، علوم فیزیکی و زندگی، زبان، فلسفه و فرهنگ، هنرهای خلاق، تاریخ آمریکا، علوم سیاسی، علوم اجتماعی و رفتاری عنوان می کنند.

- بوتوین^۴ و گرین^۵ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "آموزش مهارت های زندگی: جلوگیری از سوء مصرف مواد با تقویت صلاحیت فردی و اجتماعی"، رویکرد پیشگیری مدرسه محور از طریق آموزش مهارت های زندگی را برای رفع خطرات کلیدی و ایجاد عوامل محافظتی مرتبط با شروع و تشدید دخانیات، الکل و استفاده غیرقانونی از مواد مخدر طراحی کرده اند. آنها در این مطالعه مدعی شده اند که تا به امروز، مراکز آموزشی در پنجاه ایالت ایالات متحده و سی و پنج کشور در سراسر جهان این برنامه آموزش مهارت های زندگی را پیاده سازی کرده اند که نشان می دهد این برنامه یکی از گسترده ترین برنامه هایی است که برای پیشگیری از سوء مصرف مواد مبتنی به شکل عملیاتی اجرا شده است. نتیجه تحقیق ایشان نشان می دهد که برنامه آموزش مهارت های زندگی، استفاده از مواد روانگردان را به نصف کاهش می دهد، بر طیف گسترده ای از دانشجویان تأثیر می گذارد، سایر رفتارهای خطرناک بهداشتی را کاهش می دهد، مزایای بالقوه دانشگاهی ارائه می دهد، و برای هر دلار سرمایه گذاری شده ۳۸ دلار پس انداز می کند.

برنامه آموزش مهارت های زندگی با هدف پیشگیری از سه مؤلفه اصلی تشکیل شده است: مجموعه ای از مهارت های خودمدیریتی عمومی، مهارت های عمومی اجتماعی (این دو مؤلفه به منظور ارتقاء صلاحیت شخصی و اجتماعی و کاهش

¹ Shechtman

² Tuttle

³ Heldenfels

⁴ Botvin

⁵ Griffin

انگیزه های استفاده از مواد مخدر و آسیب پذیری در برابر تأثیرات اجتماعی که از مصرف مواد مخدر حمایت می کند ، طراحی شده اند) سومین مولفه اطلاعات و مهارت های مربوط به مواد مخدر است که به منظور ارتقاء مهارت های مقاومت در برابر مواد مخدر ، نگرش ضد مواد مخدر و هنجارهای ضد مواد مخدر.

-جونز (۲۰۰۲) در اثری با عنوان "تغییر برنامه آموزشی: آماده کردن دانشجویان برای دنیای در حال تغییر" اصلاحات در برنامه درسی پرستاری، حسابداری و آموزش معلمان را مرور می نماید. در این اثر پژوهشی تأکید شده که بسیاری از اعضای هیئت علمی کارفرمایان و سیاست گذاران بر این باورند که دانشجویان باید در ارتباطات و حل مسئله مهارت داشته باشند پیچیدگی اطلاعات امروزی به شدت افزایش یافته و فارغ التحصیلان دانشگاه با مسائل جدیدی در محیط های در حال تغییر دست و پنجه نرم می کنند آموزش کارشناسی باید به دانشجویان، مهارت های انتقادی لازم، نگرش ها و ارزش های لازم را برای پیدا کردن مسیر خود در پیچیدگی های دنیای تجاری امروز نشان دهد. کارفرمایان به دنبال فارغ التحصیلانی هستند که توانایی های بالایی در حل مسئله، کارگروهي، ارتباطات و رهبری داشته باشند. گرچه بیشتر فارغ التحصیلان با مهارت های فنی کافی وارد مشاغل جدید می شوند اما مهارت هایی مانند ارتباطات و حل مسئله که آنها را به موفقیت شغلی برساند را دارا نیستند.

-تریلینگ و فادل (۲۰۰۹) در کتاب "مهارتهای قرن بیست و یکم: یادگیری برای زندگی در عصر ما"، مهارت های عمومی قرن ۲۱ را در سه گروه طبقه بندی کرده اند: مهارت های یادگیری و نوآوری (تفکر انتقادی، حل مسئله، ارتباطات، همکاری، خلاقیت و نوآوری) مهارت های اطلاعات، رسانه و تکنولوژی (سواد اطلاعات، سواد رسانه ای، سواد فناوری اطلاعات و ارتباطات) مهارت های کار و زندگی (انعطاف پذیری و سازگاری، ابتکار عمل و هدایت به خود، تعامل اجتماعی و بین فرهنگی، بهره وری و پاسخگویی، رهبری و مسئولیت).

-سلن (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان "سواد اطلاعاتی در آموزش عمومی: یک نیاز جدید برای قرن بیست و یکم" در بحث در مورد علوم ، علوم انسانی و الزامات علوم اجتماعی ، یک مفهوم اصلی جدید به نام سواد اطلاعاتی ، که به طور گسترده به عنوان ترکیبی از مهارت های رایانه ای و دانش چگونگی استفاده از اطلاعات در قالب های جدید که توسط رایانه ها امکان پذیر است تعریف می شود به مجموعه آموزش عمومی اضافه شده است. به دلیل ماهیت پویای این فناوری ها ، سواد اطلاعاتی در قرن بیست و یکم به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از فرهنگ و یک عامل تغییر فرهنگی است. سواد اطلاعاتی کسب مهارت های جدید یادگیری که از پیشرفتهای فناوری قرن بیست و یکم بهره می برد ، و همچنین آگاهی از نقش و اهمیت اطلاعات در جامعه ما را به آموزش عمومی می بخشد.

-هلکس و ریبلد (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان "دیدگاههای هیات علمی درباره ظرفیت تفکر انتقادی در دانشجویان کارشناسی" اظهار می کنند تفکر انتقادی اگر نگوییم هدف اصلی، یک هدف مطلوب در آموزش عالی است که به برنامه درسی ، تعلیم و تربیت و سیاستگذاری آن شکل می دهد. وضعیت ممتاز تفکر انتقادی ، به ویژه در کلاسهای کارشناسی ، اغلب یک ویژگی ضمنی آموزش عالی ، یک قانون "ضمنی" در دانشکده ها و دانشگاه ها است که بندرت مورد تردید یا انتقاد قرار می گیرد. مطمئناً پذیرش تفکر انتقادی به عنوان یک هدف آموزشی از تشویق واقعی تفکر انتقادی در کلاسهای دانشگاه رایج تر است. اعضای هیات علمی تا حد زیادی تفکر انتقادی را به عنوان بخشی از وظیفه تدریس خود می پذیرند ، اما به ندرت آموزش می بینند که تفکر انتقادی را چگونه تعریف کنند و خیلی به ندرت آموزش می بینند که چگونه به طور مؤثر رشد آن را در دانشجویان تسهیل کنند. با توجه به اینکه توسعه تفکر انتقادی یک بخش اساسی از آموزش کارشناسی است و در بیشتر موارد اعضای هیئت علمی نقش خود را در ارتقاء بخشی از آن در کلاس های خود می پذیرند ، این مقاله رابطه پیچیده بین ادراک اعضای هیات علمی از تفکر انتقادی و برنامه های آموزشی را مورد بررسی قرار می دهد. ایشان در این مقاله تفکر انتقادی را این گونه تعریف می کنند: تفکر انتقادی ، تفکر انضباطی است که مستلزم خود تنظیمی است و با پذیرش یا رد استدلال های مبتنی بر داورى هدفمند و استدلال ، عملی می شود نه براساس احساسات یا فرضیات.

شورای بین المللی آموزش و پرورش میان فرهنگی، انجمن دانشگاههای آمریکا، سازمان بهداشت جهانی، دانشگاه هاروارد، کمیسیون بویر، فرهنگستان ملی مهندسی آمریکا، انجمن تحقیقاتی هارت، بانک جهانی، موسسات مشهوری هستند که مهارتهای عمومی و مهارتهای زندگی را مورد مطالعه قرار داده اند و کارهای پژوهشی آنها در بین آثار بررسی شده برای این تحقیق است؛ پرداختن این موسسات به این موضوع حکایت از اهمیت فوق العاده آن دارد. در میان مهارتهای عمومی استخراج شده از پیشینه تحقیق، برخی مهارتها بسیار مورد تأکید بوده و تعداد زیادی از محققان به این مهارتها به عنوان مهارتهای عمومی حیاتی اشاره کرده اند. سازمان بهداشت جهانی ده مورد از این مهارتها را به صورت دو به دو به عنوان مهارتهای مکمل ارائه می کند(جدول ۱):

جدول ۱- مهارتهای مکمل از نظر سازمان بهداشت جهانی

تصمیم گیری حل مساله	تفکر خلاق تفکر انتقادی	ارتباطات روابط بین فردی	خودآگاهی هم دلی	مقابله با هیجانات مقابله با استرس ها
------------------------	---------------------------	----------------------------	--------------------	---

مدل چهار اچ (4H)

در مدل چهار اچ (4H) که با هدف دسته بندی همه مهارت‌های عمومی زندگی طراحی شده، چهار اچ اشاره به سر (Head)، قلب (Heart)، دست‌ها (Hands) و سلامتی (Health) دارد. چهار اچ در این مدل همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده شامل زیر مجموعه هایی است:



مدل چهار اچ برای مهارت‌های عمومی

شکل ۱- مدل (4H) - مهارت‌های عمومی زندگی

با توجه به این که این مدل تقریباً تمام ابعاد زندگی انسان را در بر گرفته است به عنوان پایه و اساس کار این پژوهش انتخاب شده و دسته بندی مهارت‌ها در نهایت بر اساس حلقه دوم این مدل یعنی تفکر، مدیریت، ارتباط، مراقبت، بخشیدن، کارکردن، وجود داشتن و زندگی کردن انجام می شود.

بخش آغازین این کار پژوهشی با مرور سیستماتیک ادبیات انجام شد؛ مرور ادبیات شامل فرایند جستجو و شناسایی مواد مربوط، انتخاب از بین مواد شناسایی شده، ترکیب و تلخیص آنها به شکل جدولی و نیز تحلیل تأثیر یا ارزش آنها است. روش مرور سیستماتیک ادبیات در پی شناسایی و مرور کارهای انجام شده قبلی است و از این رهگذر، امکان جمع، یکپارچه سازی و جمع بندی مطالب را فراهم آورده و از تکرار آنها جلوگیری می کند، ضمن اینکه شناسایی موارد بحث نشده یا مغفول مانده یا شکاف های نظری را میسر می سازد (گرانت و بوث، ۲۰۰۹، ترجمه: نوه ابراهیم، ۱۳۹۶). گرچه مرور ادبیات یک توصیف بسیار گسترده و کلی است که این امر تعمیم پذیری آن را دشوار می سازد. با این حال، مرورهای ادبیات دارای ویژگی های مشترکی هستند، از جمله اینکه به بررسی و بازبینی ادبیات منتشر شده می پردازند، مواد مربوطه دارای میزانی از ثبات و پایداری هستند و احتمالاً در معرض فرایند داوری همتا و تخصصی هم قرار گرفته اند (گرانت و بوث، ۲۰۰۹، ترجمه: نوه ابراهیم، ۱۳۹۶).

در بخش مرور ادبیات این تحقیق، برخی از آثار علمی (۱۹۵۰ تا ۲۰۱۸) مرتبط با موضوع مهارت‌های عمومی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. تعداد کل آثار بررسی شده ۹۵ اثر بوده که از این میان فقط ۹ منبع ایرانی و بقیه آثار خارجی هستند. در ابتدا فهرستی از این منابع به همراه سال انتشار و مهارت‌های مورد تأکید در این منابع در قالب جدولی جمع آوری شد. در مرحله

بعدی، فهرستی شامل ۲۰۴ مورد از مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی از ادبیات استخراج شد و سپس با حذف مواردی که بسیار نزدیک یا کاملاً یکسان هستند فهرستی شامل ۱۱۱ مورد بدست آمد با حذف موارد مشابه و همپوشان تعداد مولفه‌ها به ۶۱ مورد رسید که در جدول شماره ۲ با ذکر نام تعدادی از محققان نمایش داده شده است. برخی از مهارت‌ها فقط در یک اثر به عنوان مهارت عمومی ذکر شده و برخی در دو یا چند منبع به عنوان مهارت‌های عمومی معرفی شده اند اما مهارت‌هایی از قبیل ارتباطات، نوشتن، تفکر انتقادی، کار تیمی، مهارت حل مساله، رهبری، یادگیری مادام‌العمر از جمله مهارت‌هایی هستند که در منابع بسیار زیادی از آنها به عنوان مهارت‌های عمومی یاد شده است. گنجاندن همه مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی به عنوان یک طرح کلی، می‌تواند راه را برای درک بهتر آموزش عمومی و اظهار نظر در مورد آن برای موافقان، مخالفان و منتقدان این حوزه باز نگه دارد. در جدول ۲ مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی پالایش شده گنجانده شده است:

جدول ۲-مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی استخراج شده از ادبیات

مؤلفه اصلی	مؤلفان / موسسات / مراکز
۱ مهارت های مطالعه	وارنر و کوپل (۲۰۰۹)، هاچمن (۲۰۱۲)، آراسته (۱۳۸۷)، قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)
۲ نوشتن	انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۰۹)، کمیسیون ایالات مرکزی (۲۰۰۲)، انجمن دانشگاه‌های آمریکا (۱۹۸۵)، قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)
۳ حل مسئله	سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)، لردو همکاران (۲۰۰۹)، فیوس و میشل (۲۰۱۱)، آلوی و همکاران (۲۰۰۳)
۴ مهارت های تفکر	ویلیامز و استاکدل (۲۰۰۳)، کمیسیون اسپلینگز ^۱ (۲۰۰۶)، زای (۲۰۱۵)
۵ تفکر انتقادی	گزارش یوای ای سی (۲۰۱۱)، فیوس و میشل (۲۰۱۱)، هاچمن (۲۰۱۲)، آراسته (۱۳۸۷)، حسینی لرگانی و همکاران (۱۳۸۷)، قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)
۶ یادگیری مادام‌العمر	شورای بین المللی آموزش و پرورش میان فرهنگی (آراسته، ۱۳۸۷)، کلر (۲۰۰۲)، جانسون (۲۰۰۳)
۷ خودآگاهی	سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)، آستین (۲۰۰۴)
۸ خودآموزی	آلبرت ^۲ (۲۰۱۱)
۹ یادگیری زبان خارجی	گزارش هاروارد (۲۰۰۴)، براستین (۲۰۰۷)، وارنر ^۳ و کوپل ^۴ (۲۰۰۹)، آلبرت (۲۰۱۱)
۱۰ پژوهشگری	انجمن دانشگاه‌های آمریکا (۲۰۰۲)، هاچمن ^۵ (۲۰۱۲)
۱۱ سواد استدلال کمی	راتکلیف و همکاران (۲۰۰۱)، فیوس و میشل (۲۰۱۱)، قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)
۱۲ توانایی فهم آمار	انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۱۳)
۱۳ کار تیمی	هاچمن (۲۰۱۲)، آراسته (۱۳۸۷)، عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲)
۱۴ همکاری	آلوی و همکاران (۲۰۰۳)، جانسون (۲۰۰۳)، راتکلیف و همکاران (۲۰۰۱)
۱۵ توانایی‌های هنری	برینت و همکاران (۲۰۰۹)، بولتن دانشگاه ماساچوست (۱۹۹۸)
۱۶ سواد دیداری	کمیسیون اسپلینگز (۲۰۰۶)، فیوس و میشل (۲۰۱۱)
۱۷ سواد کامپیوتری	سلن (۲۰۰۲)، جانسون و راتکلیف (۲۰۰۴)، برینت و همکاران (۲۰۰۹)
۱۸ سواد رسانه	زسونر سکی (۲۰۰۱)، آلورمن و هاگودز (۲۰۰۰)
۱۹ سواد اطلاعاتی	مازر و همکاران (۲۰۰۸)، انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۰۹)، هاچمن (۲۰۱۲)
۲۰ سواد علمی	دبوئر ^۶ (۲۰۰۰)، نیوتن (۲۰۰۰)
۲۱ ارتباطات	گنسیا ^۷ و سبیری ^۸ (۲۰۰۲)، آلوی ^۹ و همکاران (۲۰۰۳)، گزارش هاروارد (۲۰۰۴)، کمیسیون بویر (۲۰۰۸)
۲۲ گوش دادن	وستفال و فینتز پتریک (۲۰۰۲)، جانسون (۲۰۰۳)، هاچمن ^{۱۰} (۲۰۱۲)، آراسته (۱۳۸۷)
۲۳ صحبت کردن	جانسون (۲۰۰۳)، جانسون و راتکلیف (۲۰۰۴)، کمیسیون بویر (۲۰۰۸)

¹ The Spellings commission

² Albert

³ Warner

⁴ Koeppl

⁵ Hachtman

⁶ DeBoer

⁷ Ghnassia

⁸ Seabury

⁹ Aloï

¹⁰ Hachtman

۲۴	مهارت سخنرانی	مازر و همکاران (۲۰۰۸)، کمیسیون بوییر (۲۰۰۸)، لرد و همکاران (۲۰۰۹)، مدنی فر و سجادیه (۱۳۸۸)
۲۵	سازگاری	وینتر ^۱ (۱۹۸۱)، آلبرت (۲۰۱۱)
۲۶	مهارت حل اختلاف	کلوت (۱۹۹۸)
۲۷	سواد فرهنگی	هرچ (۱۹۸۷)، پاسنر (۱۹۹۵)، گف ^۲ و واسچا ^۳ (۲۰۰۱)
۲۸	حساسیت چند فرهنگی	کلوت (۱۹۹۸)، ماهونی ^۴ و چمبر ^۵ (۲۰۰۴)
۲۹	کمک به توسعه ی میراث فرهنگی	عارفی و همکاران (۱۳۸۸)
۳۰	مسئولیت و مشارکت اجتماعی	انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۱۳)، هلر (۲۰۰۱)، فرن و کینچ (۲۰۰۳)، گزارش یوای ای سی (۲۰۱۱)
۳۱	آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی	اشرفی زاده (۱۳۸۱)
۳۲	مهارت شهروندی	هلر ^۶ (۲۰۰۱)، کلوت (۱۹۹۸)، زسوترسکی (۲۰۰۱)
۳۳	مهارت انجام خدمات عمومی	همفریز و داوونپورت (۲۰۰۵)
۳۴	حساسیت به محیط زیست	اشرفی زاده (۱۳۸۱)، آراسته (۱۳۸۷)
۳۵	صلاحیت (توانایی) جهانی شدن	براستین (۲۰۰۷)، آلو و همکاران (۲۰۰۳)
۳۶	رهبری (رهبری خلاق)	تومز و همکاران (۱۹۸۹)، گلدویت و همکاران (۱۹۹۴)، کلوت (۱۹۹۸)، راتکلیف و همکاران (۲۰۰۱)، جانسون (۲۰۰۳)، آلو و همکاران (۲۰۰۳)
۳۷	شناسایی ارزشها، اصول و اخلاق	گنسیا و سیبری (۲۰۰۲)
۳۸	تصمیم گیری	سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)، پیتندریگ ^۷ (۲۰۰۷)، ویلهلم ^۸ (۲۰۰۸)، اشرفی زاده (۱۳۸۱)
۳۹	قضاوت اخلاقی	هاچمن (۲۰۱۲)، انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۱۳)
۴۰	مسئولیت پذیری	اشرفی زاده (۱۳۸۱)، عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲)
۴۱	شناخت سیستم های جهانی	زسوترسکی (۲۰۰۱)
۴۲	آگاهی از مسائل بین المللی	زسوترسکی (۲۰۰۱)، آراسته (۱۳۸۷)
۴۳	نظم و انضباط شخصی	گلدویت و همکاران (۱۹۹۴)، کلوت (۱۹۹۸)، همفریز و داوونپورت (۲۰۰۵)
۴۴	مدیریت زمان	چیکرینگ و گمسون (۱۹۸۷)، گلدویت و همکاران (۱۹۹۴)، کلوت (۱۹۹۸)
۴۵	پویایی و انعطاف پذیری	فرهنگستان ملی مهندسی آمریکا (۲۰۰۴)، آراسته (۱۳۸۷)، عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲)
۴۶	ارائه ی نوآوری ها (خلاقیت)	عارفی و همکاران (۱۳۸۸)، اشرفی زاده (۱۳۸۱)
۴۷	تنوع پذیر بودن (مهارتهای انطباقی)	لرد ^۹ و همکاران (۲۰۰۹)، ولنیاک و همکاران (۲۰۰۴)
۴۸	انتقادپذیری	جعفری و یارمحمدی واصل (۱۳۹۵)، فتحی و اجارگاه و کامکاری (۱۳۸۲)
۴۹	مقابله با استرس	سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)
۵۰	مقابله با هیجانات	سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)
۵۱	خود کارآمدی	تسوی ^{۱۰} (۲۰۰۸)

¹ Winter

² Gaff

³ Wasescha

⁴ Mahoney

⁵ schamber

⁶ Heller

⁷ Pittendrigh

⁸ Wilhelm

⁹ Laird

¹⁰ Tsui

۵۲	اعتماد به نفس	کلوت (۱۹۹۸)، تسوی ^۱ (۲۰۰۸)، اشرفی زاده (۱۳۸۱)، آراسته (۱۳۸۷)
۵۳	بهداشت جسم و روان	اشرفی زاده (۱۳۸۱)
۵۴	مهارت تفریحی	بویر ^۲ و لوین ^۳ (۱۹۸۱)
۵۵	آگاهی دینی	اشرفی زاده (۱۳۸۱)
۵۶	پیشگیری از مصرف موادمخدر	سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۴)
۵۷	مسایل جنسیتی (پیشگیری از ایدز و...)	گف (۱۹۹۱)
۵۸	تجارت و مدیریت	فرهنگستان ملی مهندسی آمریکا (۲۰۰۴)
۵۹	کارآفرینی	اشرفی زاده (۱۳۸۱)
۶۰	کار/تحصیل مستقل	چیکرینگ ^۴ و گمسون ^۵ (۱۹۸۷)، گف (۱۹۸۹)، بولتن دانشگاه ماساچوست ^۶ (۱۹۹۸)
۶۱	سواد عاطفی (رشد عاطفی)	عارفی و همکاران (۱۳۸۸)

روش شناسی تحقیق:

از نظر هدف تحقیق، پژوهش حاضر، در حیطه تحقیقات کاربردی و توسعه ای طبقه بندی می شود. در این پژوهش، با توجه به هدف آن که به شناسایی مهارت های عمومی دانشجویان در دوره کارشناسی مربوط می شود از روش کیفی استفاده شده است. روش های کیفی می توانند جزئیات ظریفی از پدیده هایی که ارائه آنها به روش های کمی مشکل است به دست دهند (استراوس و کوربین^۷، ۱۹۹۰، ترجمه محمدی، ۱۳۸۵). روش پژوهش بر حسب نحوه گردآوری داده ها از نوع پژوهش توصیفی پیمایشی است روش به کار رفته در این پژوهش یکی از انواع روش پیمایشی یعنی دلفی است. جامعه آماری این تحقیق کیفی شامل کلیه خبرگان و صاحب نظران آموزش عمومی می باشد. نمونه های انتخاب شده براساس هدف پژوهش انتخاب شدند. با توجه به مطالبی که ذکر شد، در تحقیق حاضر با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند، نمونه ای (متشکل از تعداد ۱۵ نفر خبرگان و صاحب نظران آموزش عمومی) که به طور بالقوه بتوانند بیشترین اطلاعات را در زمینه هدف مورد نظر (شناسایی مهارت های عمومی) ارائه دهند، انتخاب شدند. خبرگان و صاحب نظران آموزش عمومی شامل پنج نفر استاد و هیات علمی دانشگاه های تهران، سه نفر استاد حوزه و دانشگاه، چهار نفر دانشیار و هیات علمی دانشگاه، دو نفر استاد حوزه و یک نفر مولف دروس عمومی و هیات علمی دانشگاه بودند.

ابزار و روش اندازه گیری

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه ای محقق ساخته است که دارای ۶۱ گویه پنج درجه ای در مقیاس لیکرت با محتوای آموزش عمومی می باشد برای ساخت و تهیه پرسشنامه علاوه بر مرور سیستماتیک ادبیات تحقیق از استادان جامعه مذکور در خصوص آموزش عمومی نظرخواهی شد سپس نظر های ایشان در قالب گویه های پرسشنامه با استفاده از روش دلفی دو مرحله ای در بین جامعه آماری مذکور توزیع شد.

یافته ها:

مرحله اول دلفی

به منظور اجرای مرحله اول دلفی، مولفه های استخراج شده از ادبیات تحقیق به ۱۵ نفر از خبرگان آموزش عمومی در موسسات آموزش عالی و دانشگاه های کشور عرضه گردید و مهارت ها و ویژگی های عمومی دانشجویان پس از حذف مولفه هایی که همپوشانی داشتند و اضافه کردن مولفه هایی که در لیست استخراج شده از ادبیات تحقیق وجود نداشت و توسط خبرگان و

¹ Tsui

² Boyer

³ Levine

⁴ Chickering

⁵ Gamson

⁶ University of Massachusetts Amherst • Assessment Bulletin

⁷ . Strauss & Corbin

کارشناسان به این لیست اضافه شد به ۷۱ مورد رسید که در جدول ۳ گنجانده شده است. در جدول ۳ این مولفه ها به طور خلاصه معرفی شده و این تعریف همان تعریفی است که به خبرگان آموزش عمومی عرضه شده و مورد تایید ایشان می باشد.

جدول ۳- مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی-مرحله اول دلفی

مؤلفه اصلی	مؤلفه (های) فرعی یا توضیح مؤلفه اصلی
۱ مهارت های مطالعه	(خواندن، خواندن انتقادی و یکپارچه سازی یادگیری) مهارت هایی که آموزش و یادگیری کارآمد را سبب می شود
۲ نوشتن	(توانایی آوردن احساسات و ایده ها بر روی کاغذ، سازماندهی دانش و باورها با استدلال های قانع کننده و انتقال معنا از طریق متنی که به خوبی طراحی شده)
۳ حل مسئله	حل مساله ساده و پیچیده (فرایند کار با جزئیات یک مساله برای رسیدن به یک راه حل، توانایی حل مسائل جدید و نامشخص در محیط دنیای واقعی)
۴ مهارت های تفکر	(تفکر نوآورانه، تفکر منطقی، تفکر ماورایی، تفکر انتزاعی، تفکر علمی، تفکر تلفیقی و تفکر کمی)
۵ تفکر انتقادی	(توانایی درگیر شدن در فرایند مفهوم سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزیابی اطلاعات برای دستیابی به پاسخ یا نتیجه گیری)
۶ یادگیری مادام العمر	(توانایی پیگیری دانش مستمر، داوطلبانه و به طور خودانگیزی به دلایل شخصی یا حرفه ای)
۷ خودآگاهی	(خودشناسی و یادگیری برای درک خود، آگاهی از اقدامات و واکنشهای خودتوانایی درک آنها)
۸ خودآموزی	(توانایی کسب مهارت و دانش توسط تلاش های شخصی خود بدون آموزش رسمی)
۹ یادگیری زبان خارجی	(یادگیری یک زبان خارجی غیر از زبان رسمی کشور)
۱۰ پژوهشگری	(تحقیق و تجزیه و تحلیل؛ یادگیری تحقیق محور؛ درک رابطه بین ایده ها؛ مهارتهای کیفی؛ مستندسازی یافته ها براساس استانداردهای موجود؛ استدلال تجربی)
۱۱ سوادو استدلال کمی	(مهارتهای کمی ریاضی و محاسباتی؛ توانایی ارائه انواع مختلفی از اطلاعات عددی، شامل هر دو مقادیر گسسته و پیوسته، و انجام عملیات ذهنی بر روی این بازنمایی ها)
۱۲ توانایی فهم آمار	(درک آمار توصیفی و استنباطی مرتبط با کار و رشته تحصیلی)
۱۳ کار تیمی	(مهارت عضویت موثر در یک گروه در محل کار که شامل کمک و هدایت، متقاعد کردن، به اشتراک گذاشتن، داشتن یک شرکت فعال، انعطاف پذیری و نشان دادن تعهد است)
۱۴ همکاری	(توانایی کار با دیگران به نحوی منظم و هدفمند؛ کسب روحیه ی مشارکت و هم زیستی)
۱۵ تواناییهای هنری	(درک هنر و ادبیات و توانایی انجام کارهای هنری گوناگون)
۱۶ سواد دیداری	(ارتباطات دیداری)
۱۷ سواد کامپیوتری	(توانایی استفاده از کامپیوتر و تکنولوژی مربوطه، مهارت جستجوی کامپیوتری و همچنین برنامه ریزی و حل مسئله)
۱۸ سواد رسانه	(توانایی تکنولوژیکی و سواد چندرسانه ای، سواد انتقادی رسانه)
۱۹ سواد اطلاعاتی	(توانایی یافتن، ارزیابی و استفاده موثر از اطلاعات مورد نیاز)
۲۰ سواد علمی	(درک مفاهیم و فرایندهای علمی مورد نیاز برای تصمیم گیری شخصی، مشارکت در امور مدنی و فرهنگی و بهره وری اقتصادی)
۲۱ ارتباطات	(مهارت موفق انتقال و یا به اشتراک گذاری ایده ها و احساسات)
۲۲ گوش دادن	(توانایی درک فعال اطلاعات ارائه شده توسط سخنران و توانایی ارائه بازخورد به سخنران، مانند پرسیدن سوالات مرتبط)
۲۳ صحبت کردن	(توانایی ابراز افکار و احساسات در زبان گفتاری)
۲۴ مهارت سخنرانی	(ارائه شفاهی در اجتماعات بزرگ)
۲۵ سازگاری	(توانایی تغییر اعمال یا رویکرد انجام کارها برای مطابقت با وضعیت جدید)
۲۶ مهارت حل اختلاف	(توانایی کمک به دو یا چند طرف درگیر در اختلاف برای دستیابی به توافق یا حل اختلاف)
۲۷ سواد فرهنگی	(توانایی درک و مشارکت مسلط در یک فرهنگ خاص)
۲۸ حساسیت چند فرهنگی	(ارتباطات بین فرهنگی) آشنایی با تحولات فرهنگی جهان
۲۹ کمک به توسعه ی میراث فرهنگی	کمک به توسعه ی میراث فرهنگی
۳۰ مسئولیت و مشارکت اجتماعی	(توانایی انجام کار به نفع جامعه)
۳۱ آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی	آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی
۳۲ مهارت شهروندی	(توانایی تشخیص حقوق، امتیازات و وظایف شهروندان)

۳۳	مهارت انجام خدمات عمومی	مهارت انجام خدمات عمومی
۳۴	حساسیت به محیط زیست	حساسیت به محیط زیست
۳۵	صلاحیت(توانایی)جهانی شدن	(آمادگی عمومی به عنوان شهروند جهانی، توانایی ایفای نقش فعال در جامعه و کار با دیگران برای ایجاد جهانی باعدالت بیشتر، منصفانه تر و پایدارتر)
۳۶	رهبری(رهبری خلاق)	توانایی ایجاد یک چشم انداز الهام بخش از آینده و انگیزه دادن به مردم برای مشارکت در آن چشم انداز
۳۷	شناسایی ارزشها، اصول و اخلاق	(توانایی شناسایی ارزش های جامعه و محیط)
۳۸	تصمیم گیری	(تصمیم گیری مسئولانه، بی تعصب و بی طرف)
۳۹	قضاوت اخلاقی	(مبانی اخلاق حرفه ای و عمومی)
۴۰	مسئولیت پذیری	(حس مسئولیت برای اقدام)
۴۱	شناخت سیستم های جهانی	(آشنایی با سیستم ها و سازمانهای حاکم در سطح جهان)
۴۲	آگاهی از مسایل بین المللی	(جریانهای اصلی تغییرات جهانی)
۴۳	نظم و انضباط شخصی	(نظم و انضباط دادن به همه امور شخصی)
۴۴	مدیریت زمان	(توانایی تقسیم مناسب زمان و انرژی بین فعالیت ها و وظایف خاص)
۴۵	پویایی و انعطاف پذیری	(توانایی تطابق با شرایط جدید در زمینه های مختلف)
۴۶	ارائه ی نوآوری ها(خلاقیت)	(مهارت حل کردن یک مساله به روشی نو)
۴۷	تنوع پذیر بودن (مهارتهای انطباقی)	(مهارت پذیرفتن گوناگونی و تنوع در محیط واقعی در دهکده جهانی)
۴۸	انتقادپذیری	(مهارت مثبت نگری نسبت به انتقادات دیگران)
۴۹	مقابله با استرس	(توانایی مدیریت و مقابله با استرس)
۵۰	مقابله با هیجانات	(توانایی مدیریت و مقابله با هیجانات)
۵۱	مدیریت خشم	(توانایی کنترل و مقابله با خشم)
۵۲	مدیریت ترس	(توانایی مدیریت و مقابله با ترس و دلهره)
۵۳	خود کارآمدی	(توانایی پاسخگویی به چالش ها و موفقیت در انجام يك کار)
۵۴	اعتماد به نفس	(توانایی اعتماد داشتن به خود و قدرت و توانایی های فردی که از احساس سلامت، پذیرش ذهن و جسم فرد برمی آید)
۵۵	بهداشت جسم و روان	(توانایی کامل برای ایفای نقش های روانی و جسمی)
۵۶	مهارت تفریحی	(توانایی مشارکت کردن در فعالیت هایی که برای لذت بردن و "سرگرم کننده" است)
۵۷	آگاهی دینی	(شناختحقایق دینی و معرفتی و مقابله با بدعت ها)
۵۸	پیشگیری از مصرف موادمخدر	(درک آسیبهای موادمخدر و توانایی جلوگیری از مصرف آن)
۵۹	مسایل جنسیتی(پیشگیری از ایدز...)	(شناخت مسایل جنسیتی و توانایی مقابله با مشکلات احتمالی و پیشگیری از بیماریها مربوطه)
۶۰	تجارت و مدیریت	(مهارت تجارت و مدیریت امور مربوط به تجارت)
۶۱	کارآفرینی	(مهارت درک و بهره برداری از فرصتها)
۶۲	کار/تحصیل مستقل	(توانایی کار بدون تکیه بر دیگران برای پشتیبانی)
۶۳	سواد عاطفی(رشد عاطفی)	(قدرت استفاده از احساسات و عواطف خود برای افزایش قدرت شخصی و کیفیت زندگی)
۶۴	تاب (resiliency)	(ظرفیتی برای مقاومت در برابر استرس و فاجعه یعنی توانایی سازگاری موفقیت آمیز با شرایط استرس زا و چالش برانگیز)
۶۵	مهارت قاطعیت(نه گفتن)	(توانایی نشان دادن احساسات، عقاید، افکار و نیازهای خود بطور مستقیم، آشکار و صادقانه)
۶۶	هوش هیجانی	(توانایی نظارت و پایش احساسات و هیجانات خود و دیگران، تفکیک و تشخیص آنها و استفاده از این اطلاعات به عنوان راهنمای تفکر و رفتار)
۶۷	مدیریت گروه همسالان (peer pressure)	(آشنایی باتاثیرات گروه همسالان و توانایی برخورد و تصمیم گیری صحیح)

۶۸	مهارت‌های (پیش از ازدواج)	(توانایی کنترل احساسات برای تصمیم‌گیری درست درمورد اتفاقات پیش از ازدواج)
۶۹	مهارت حل تعارضات زناشویی	(توانایی حل تعارضات زندگی مشترک)
۷۰	مهارت فرزند پروری	(توانایی پرورش فرزندان)
۷۱	مهارت مدیریت فضای مجازی	(مهارت‌های جلوگیری از تهدیدات و استفاده از فرصت‌های فضای مجازی)

از بین مولفه‌های درج شده در جدول ۳ مولفه‌های سواد عاطفی، تاب‌آوری، مهارت قاطعیت (نه گفتن)، هوش هیجانی، مدیریت گروه همسالان، مهارت‌های (پیش از ازدواج)، مهارت حل تعارضات زناشویی، مهارت فرزند پروری و مهارت مدیریت فضای مجازی پس از اجرای مرحله اول دلفی و به پیشنهاد خبرگان آموزش عمومی به لیست استخراج شده از ادبیات تحقیق اضافه شدند.

مرحله دوم دلفی

در ادامه کار، مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی که مورد بررسی خبرگان در مرحله اول دلفی قرار گرفته بود با الهام گرفتن از مدل 4H در هشت طبقه (کارکردن- بخشیدن - مراقبت-ارتباط - تفکر-مدیریت- وجود داشتن و زندگی کردن) دسته‌بندی شدند. این مهارت‌ها و دسته‌بندی آنها در طبقات یاد شده به تایید خبرگان رسید. نتیجه مرحله دوم دلفی در جدول‌های ۵ تا ۱۲ ارائه شده است.

مهارت‌های عمومی کارکردن: در جدول ۵، مهارت‌های عمومی مربوط به کارکردن شامل کار تیمی، سواد کامپیوتری، سواد رسانه، مهارت مدیریت فضای مجازی، کارآفرینی، کار/تحصیل مستقل، تجارت و مدیریت گنجانده شده است. برخی از این مهارت‌ها از جمله سواد کامپیوتری و سواد رسانه امکان دسته‌بندی در طبقات دیگر از جمله طبقه مدیریت و طبقه تفکر را نیز دارند اما با توجه به ارتباط تنگاتنگ همه کارها و مشاغل با کامپیوتر در دنیای امروز، تصمیم محققان براین شد که آنها را در کنار مهارت مدیریت فضای مجازی در طبقه مهارت‌های عمومی مربوط به کارکردن دسته‌بندی کنند و درستی این تصمیم مورد تایید خبرگان قرار گرفت.

جدول ۵- مهارت‌های عمومی: کارکردن

مهارت‌های عمومی (کارکردن)		
۱	کارتیمی (مهارت عضویت موثر در یک گروه در محل کار که شامل کمک و هدایت، متقاعد کردن، به اشتراک گذاشتن، داشتن یک شرکت فعال، انعطاف‌پذیری و نشان دادن تعهد است)	
۲	سواد کامپیوتری (توانایی استفاده از کامپیوتر و تکنولوژی مربوطه، مهارت جستجوی کامپیوتری و همچنین برنامه‌ریزی و حل مسئله)	
۳	سواد رسانه (توانایی تکنولوژیکی و سواد چندرسانه‌ای، سواد انتقادی رسانه)	
۴	مهارت مدیریت فضای مجازی (مهارت‌های جلوگیری از تهدیدات و استفاده از فرصت‌های فضای مجازی)	
۵	کارآفرینی (مهارت درک و بهره‌برداری از فرصت‌ها)	
۶	کار/تحصیل مستقل (توانایی کار بدون تکیه بر دیگران برای پشتیبانی)	
۷	تجارت و مدیریت (مهارت تجارت و مدیریت امور مربوط به تجارت)	

مهارت‌های عمومی بخشیدن: در جدول ۶، رهبری (رهبری خلاق)، مهارت شهروندی، مهارت انجام خدمات عمومی، ارائه نوآوری‌ها (خلاقیت) و مسئولیت و مشارکت اجتماعی در طبقه مهارت‌های عمومی مربوط به بخشیدن گنجانده شدند. این مهارت‌ها زیر عنوان بخشیدن طبقه‌بندی شده‌اند زیرا همه آنها به نوعی در راستای انجام کارهای عام‌المنفعه در خدمت به مردم کاربرد دارند و ویژگی‌هایی برای انگیزه دادن به افراد به منظور مشارکت در امور اجتماعی هستند.

جدول ۶- مهارت‌های عمومی: بخشیدن

مهارت‌های عمومی (بخشیدن)		
۱	رهبری (رهبری خلاق) توانایی ایجاد یک چشم‌انداز الهام‌بخش از آینده و انگیزه دادن به مردم برای مشارکت در آن چشم‌انداز	
۲	مهارت شهروندی (توانایی تشخیص حقوق، امتیازات و وظایف شهروندان)	

۳	مهارت انجام خدمات عمومی
۴	ارائه ی نوآوری ها(خلاقیت) (مهارت حل کردن یک مساله به روشی نو)
۵	مسئولیت و مشارکت اجتماعی(توانایی انجام کار به نفع جامعه)

مهارت‌های عمومی مراقبت: در جدول ۷، مهارت‌های عمومی مربوط به مراقبت یعنی همکاری، مهارت حل اختلاف، سازگاری، تنوع پذیر بودن(مهارت‌های انطباقی)، شناسایی ارزشها، اصول و اخلاق، قضاوت اخلاقی، انتقادپذیری، سواد فرهنگی، حساسیت چند فرهنگی و کمک به توسعه ی میراث فرهنگی دسته بندی شدند؛ نقطه تمرکز این مهارتها بر توانایی کار با دیگران، توانایی کمک به حل اختلاف و ارتباطات فرهنگی و جهانی است. مهارت‌های عمومی مربوط به مراقبت به نوعی سازگاری محلی و جهانی و قدرت انطباق با دهکده جهانی را شامل می شود؛ این سازگاری در واقع بر یکپارچگی و در هم تنیدگی زندگی مردم جهان دلالت دارد و حل اختلاف، پذیرش گوناگونی و تنوع و مثبت نگری نسبت به دنیای بیرون را آموزش می دهد.

جدول ۷- مهارت‌های عمومی: مراقبت

مهارت‌های عمومی (مراقبت)	
۱	همکاری (توانایی کار با دیگران به نحوی منظم و هدفمند؛ کسب روحیه ی مشارکت و هم زیستی)
۲	مهارت حل اختلاف (توانایی کمک به دو یا چند طرف درگیر در اختلاف برای دستیابی به توافق یا حل اختلاف)
۳	سازگاری(توانایی تغییر اعمال یا رویکرد انجام کارها برای مطابقت با وضعیت جدید)
۴	تنوع پذیر بودن(مهارت‌های انطباقی) (مهارت پذیرفتن گوناگونی و تنوع در محیط واقعی در دهکده جهانی)
۵	شناسایی ارزشها، اصول و اخلاق (توانایی شناسایی ارزش های جامعه و محیط)
۶	قضاوت اخلاقی(مبانی اخلاق حرفه ای و عمومی)
۷	انتقادپذیری(مهارت مثبت نگری نسبت به انتقادات دیگران)
۸	سواد فرهنگی (توانایی درک و مشارکت مسلط در یک فرهنگ خاص)
۹	حساسیت چند فرهنگی(ارتباطات بین فرهنگی)آشنایی با تحولات فرهنگی جهان
۱۰	کمک به توسعه ی میراث فرهنگی

مهارت‌های عمومی ارتباط: جدول ۸ که شامل ارتباطات، گوش دادن، صحبت کردن، مهارت سخنرانی، مهارت قاطعیت(نه گفتن)، مدیریت گروه همسالان (peer pressure)، شناخت سیستم های جهانی، آگاهی از مسایل بین المللی، مهارت‌های (پیش از) ازدواج، مهارت حل تعارضات زناشویی و مهارت فرزند پروری می باشد مهارت‌های عمومی مربوط به ارتباط نامیده می شوند. از ارتباطات فردی گرفته تا ارتباطات بین گروه‌های همسالان و ارتباطات بین المللی در این طبقه قرار گرفته اند؛ مهارت‌های ارتباطی خانوادگی(مهارت‌های پیش از ازدواج، مهارت حل تعارضات زناشویی و مهارت فرزند پروری) از جمله مهم ترین مهارتها و ویژگیهای عمومی به شمار می روند که کسب آنها به کاهش آسیب های اجتماعی مورد بحث در بیان مساله تحقیق حاضر کمک می کند.

جدول ۸- مهارت‌های عمومی: ارتباط

مهارت‌های عمومی(ارتباط)	
۱	ارتباطات (مهارت موفق انتقال و یا به اشتراک گذاری ایده ها و احساسات)
۲	گوش دادن(توانایی درک فعال اطلاعات ارائه شده توسط سخنران و توانایی ارائه بازخورد به سخنران، مانند پرسیدن سوالات مرتبط)
۳	صحبت کردن(توانایی ابراز افکار و احساسات در زبان گفتاری)
۴	مهارت سخنرانی (ارائه شفاهی در اجتماعات بزرگ)
۵	مهارت قاطعیت(نه گفتن) (توانایی نشان دادن احساسات، عقاید، افکار و نیازهای خود بطور مستقیم، آشکار و صادقانه)
۶	مدیریت گروه همسالان (peer pressure) (آشنایی با تاثیرات گروه همسالان و توانایی برخورد و تصمیم گیری صحیح)
۷	شناخت سیستم های جهانی(آشنایی با سیستم ها و سازمانهای حاکم در سطح جهان)
۸	آگاهی از مسایل بین المللی (جریانهای اصلی تغییرات جهانی)
۹	مهارت‌های (پیش از) ازدواج (توانایی کنترل احساسات برای تصمیم گیری درست درمورد اتفاقات پیش از ازدواج)
۱۰	مهارت حل تعارضات زناشویی (توانایی حل تعارضات زندگی مشترک)
۱۱	مهارت فرزند پروری (توانایی پرورش فرزندان)

مهارت‌های عمومی تفکر. جدول ۹، مهارت‌های مربوط به تفکر، مهارت‌های مطالعه، تفکر انتقادی، حل مسئله، مهارت‌های تفکر، یادگیری مادام‌العمر، نوشتن، خودآموزی، یادگیری زبان خارجی، توانایی‌های هنری و سواد دیداری را در برمی‌گیرد. مهارت‌های تفکر با آموزش و یادگیری، کسب و ارزیابی اطلاعات، توانایی حل مسائل، انواع تفکر و توانایی کسب مهارت و دانش عجین هستند و در محیط‌های آموزشی به طور ویژه به آنها پرداخته می‌شود. بنابراین جای آن دارد که در مراکز آموزش عالی به طور خاص و در سطح عالی به این مهارت‌ها پرداخته شود.

جدول ۹- مهارت‌های عمومی: تفکر

مهارت‌های عمومی (تفکر)	
۱	مهارت‌های مطالعه (خواندن، خواندن انتقادی و یکپارچه سازی یادگیری) مهارت‌هایی که آموزش و یادگیری کارآمد را سبب می‌شود
۲	تفکر انتقادی (توانایی درگیر شدن در فرایند مفهوم سازی، کاربرد، تحلیل، ترکیب و ارزیابی اطلاعات برای دستیابی به پاسخ یا نتیجه گیری)
۳	حل مسئله ساده و پیچیده (فرایند کار با جزئیات یک مساله برای رسیدن به یک راه حل، توانایی حل مسائل جدید و نامشخص در محیط دنیای واقعی)
۴	مهارت‌های تفکر (تفکر نوآورانه، تفکر منطقی، تفکر ماورایی، تفکر انتزاعی، تفکر علمی، تفکر تلفیقی و تفکر کمی)
۵	یادگیری مادام‌العمر (توانایی پیگیری دانش مستمر، داوطلبانه و به طور خودانگیزی به دلایل شخصی یا حرفه ای)
۶	نوشتن (توانایی آوردن احساسات و ایده ها بر روی کاغذ، سازماندهی دانش و باورها با استدلال‌های قانع کننده و انتقال معنا از طریق متنی که به خوبی طراحی شده)
۷	خودآموزی (توانایی کسب مهارت و دانش توسط تلاش‌های شخصی خود بدون آموزش رسمی)
۸	یادگیری زبان خارجی (یادگیری یک زبان خارجی غیر از زبان رسمی کشور)
۹	توانایی‌های هنری (درک هنر و ادبیات و توانایی انجام کارهای هنری گوناگون)
۱۰	سواد دیداری (مهارت‌ها و ارتباطات دیداری)

مهارت‌های عمومی مدیریت. جدول ۱۰، مهارت‌های عمومی مربوط به مدیریت شامل تصمیم گیری، تاب آوری، پویایی و انعطاف پذیری، مسئولیت پذیری، پژوهشگری، سواد استدلال کمی، توانایی فهم آمار، مدیریت زمان، سواد اطلاعاتی، سواد علمی و صلاحیت (توانایی) جهانی شدن می‌باشد. مهارت‌های عمومی مربوط به مدیریت انواع تصمیم گیری ها، مسئولیت پذیری ها و توانایی‌های جهانی شدن را در بر می‌گیرد. یادگیری تحقیق محور، مهارت‌های کمی ریاضی و محاسباتی، درک آمار توصیفی و استنباطی، مدیریت زمان و درک مفاهیم و فرایندهای علمی نقاط تمرکز مهارت‌های عمومی مدیریتی هستند. غایت نهایی همه این مهارت‌ها تبدیل فرد به یک شهروند جهانی با توانایی ایفای نقش فعال می‌باشد.

جدول ۱۰- مهارت‌های عمومی: مدیریت

مهارت‌های عمومی (مدیریت)	
۱	تصمیم گیری (تصمیم گیری مسئولانه، بی تعصب و بی طرف)
۲	تاب آوری (resiliency) (ظرفیتی برای مقاومت در برابر استرس و فاجعه یعنی توانایی سازگاری موفقیت آمیز با شرایط استرس زا و چالش برانگیز)
۳	پویایی و انعطاف پذیری (توانایی تطابق با شرایط جدید در زمینه های مختلف)
۴	مسئولیت پذیری (حس مسئولیت برای اقدام)
۵	پژوهشگری (تحقیق و تجزیه و تحلیل؛ یادگیری تحقیق محور؛ درک رابطه بین ایده ها؛ مهارت‌های کیفی؛ مستندسازی یافته ها بر اساس استانداردهای موجود؛ استدلال تجربی)
۶	سواد استدلال کمی (مهارت‌های کمی ریاضی و محاسباتی؛ توانایی ارائه انواع مختلفی از اطلاعات عددی، شامل هر دو مقادیر گسسته و پیوسته، و انجام عملیات ذهنی بر روی این بازنمایی ها)
۷	توانایی فهم آمار (درک آمار توصیفی و استنباطی مرتبط با کار و رشته تحصیلی)
۸	مدیریت زمان (توانایی تقسیم مناسب زمان و انرژی بین فعالیت ها و وظایف خاص)
۹	سواد اطلاعاتی (توانایی یافتن، ارزیابی و استفاده موثر از اطلاعات مورد نیاز)
۱۰	سواد علمی (درک مفاهیم و فرایندهای علمی مورد نیاز برای تصمیم گیری شخصی، مشارکت در امور مدنی و فرهنگی و بهره وری اقتصادی)
۱۱	صلاحیت (توانایی) جهانی شدن (آمادگی عمومی به عنوان شهروند جهانی، توانایی ایفای نقش فعال در جامعه و کار با دیگران برای ایجاد جهانی با عدالت بیشتر، منصفانه تر و پایدارتر)

مهارت‌های عمومی وجود داشتن. جدول ۱۱، مهارت‌های عمومی مربوط به بودن (وجود داشتن) از جمله مقابله با استرس، مقابله با هیجانات، مدیریت خشم، مدیریت ترس، اعتماد به نفس، خود کارآمدی، خودآگاهی، سواد عاطفی (رشد عاطفی) و هوش هیجانی را نمایش می‌دهد. این مهارت‌ها از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و در برگیرنده مهارت‌های مهمی چون خودشناسی و اعتماد به نفس هستند که نقش کلیدی در موفقیت افراد در همه امور زندگی دارند. مدیریت استرس و هیجانات نیز در دنیای مدرن امری از ضروریات زندگی افراد است و نبود این مهارت‌ها آسیب‌های جدی به اجتماع وارد می‌کند.

جدول ۱۱- مهارت‌های عمومی وجود داشتن

مهارت‌های عمومی (وجود داشتن)	
۱	مقابله با استرس (توانایی مدیریت و مقابله با استرس)
۲	مقابله با هیجانات (توانایی مدیریت و مقابله با هیجانات)
۳	مدیریت خشم (توانایی کنترل و مقابله با خشم)
۴	مدیریت ترس (توانایی مدیریت و مقابله با ترس و دلهره)
۵	اعتماد به نفس (توانایی اعتماد داشتن به خود و قدرت و توانایی‌های فردی که از احساس سلامت، پذیرش ذهن و جسم فرد برمی‌آید)
۶	خود کارآمدی (توانایی پاسخگویی به چالش‌ها و موفقیت در انجام کار)
۷	خودآگاهی (خودشناسی و یادگیری برای درک خود، آگاهی از اقدامات و واکنش‌های خود و توانایی درک آنها)
۸	سواد عاطفی (رشد عاطفی) (قدرت استفاده از احساسات و عواطف خود برای افزایش قدرت شخصی و کیفیت زندگی)
۹	هوش هیجانی (توانایی نظارت و پایش احساسات و هیجانات خود و دیگران، تفکیک و تشخیص آنها و استفاده از این اطلاعات به عنوان راهنمای تفکر و رفتار)

مهارت‌های عمومی زندگی کردن. جدول ۱۲ که مشتمل بر هشت مهارت نظم و انضباط شخصی، پیشگیری از مصرف موادمخدر، مسایل جنسیتی (پیشگیری از ایدزو)، بهداشت جسم و روان، آگاهی دینی، مهارت تفریحی، آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی و حساسیت به محیط زیست می‌باشد مهارت‌های عمومی مربوط به زندگی کردن را در خود جای داده است. مهارت‌های عمومی مربوط به زندگی کردن طبقه دیگری از مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی هستند که بُعد دیگری از نیازهای فرد را به نمایش می‌گذارند. کسب این دسته از مهارت‌ها برای سلامت جسم و روان خیلی مهم و حیاتی هستند. برخی از آنها از ابتدای آموزش افراد، یعنی در خانه و مدرسه آغاز شده و سرانجام در دانشگاه به تدریج کامل می‌شوند. نبود یا کمبود برخی از این مهارت‌ها در زندگی عادی افراد اخلاص ایجاد کرده و قابل جبران با سایر مهارت‌ها نیست، بلکه خود آن مهارت برای ایجاد زندگی متعادل باید ایجاد و تقویت شود.

جدول ۱۲- مهارت‌های عمومی زندگی کردن

مهارت‌های عمومی (زندگی کردن)	
۱	نظم و انضباط شخصی (نظم و انضباط دادن به همه امور شخصی)
۲	پیشگیری از مصرف موادمخدر (درک آسیب‌های موادمخدر و توانایی جلوگیری از مصرف آن)
۳	مسایل جنسیتی (پیشگیری از ایدزو...) (شناخت مسایل جنسیتی و توانایی مقابله با مشکلات احتمالی و پیشگیری از بیماری‌ها مربوطه)
۴	بهداشت جسم و روان (توانایی کامل برای ایفای نقش‌های روانی و جسمی)
۵	آگاهی دینی (شناخت حقایق دینی و معرفتی و مقابله با بدعت‌ها)
۶	مهارت تفریحی (توانایی مشارکت کردن در فعالیت‌هایی که برای لذت بردن و "سرگرم کننده" است)
۷	آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی
۸	حساسیت به محیط زیست

بحث و نتیجه گیری

به منظور شناسایی مهارتهای عمومی دانشجویان دوره کارشناسی، محققان لیستی شامل ۲۰۴ مورد از مهارتها و ویژگیهای عمومی را از ادبیات استخراج و سپس با حذف موارد بسیار نزدیک یا کاملاً یکسان به یک لیست ۱۱۱ موردی رسیدند. مهارتهایی از قبیل ارتباطات، نوشتن، تفکر انتقادی، کار تیمی، مهارت حل مساله، رهبری، یادگیری مادام العمر از جمله مهارتهایی هستند که در منابع بسیار زیادی از آنها به عنوان مهارتهای عمومی یاد شده بود. پس از اجرای مرحله اول دلفی یعنی پس از حذف مولفه هایی که همپوشانی داشتند و اضافه کردن مولفه هایی که در لیست استخراج شده از ادبیات تحقیق وجود نداشت و توسط خبرگان و کارشناسان به این لیست اضافه شد مجموع مولفه ها به ۷۱ مورد رسید. در مرحله دوم دلفی محققان مهارتها و ویژگیهای عمومی را که مورد بررسی خبرگان قرار گرفته و به تایید رسیده بود با الهام گرفتن از حلقه دوم مدل 4H در هشت طبقه (کارکردن- بخشیدن - مراقبت-ارتباط - تفکر - مدیریت- وجود داشتن و زندگی کردن) دسته بندی کردند. این مهارتها و دسته بندی آنها در طبقات یاد شده به تایید خبرگان رسید و نتیجه مرحله دوم دلفی در جدولهای جداگانه ارائه گردید.

یافته های این تحقیق بانایج تعدادی از پژوهشهای انجام گرفته در این حوزه همسویی و انطباق دارد اما به منظور دوری از اطناب و رعایت اختصار، صرفاً به چند مورد اشاره می شود:

در طبقه مهارتهای عمومی (کارکردن)، در شناسایی مهارتهای کار تیمی با هاچمن (۲۰۱۲)، آراسته (۱۳۸۷) و عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲)، سواد کامپیوتری با سلن (۲۰۰۲)، جانسون و راتکلیف (۲۰۰۴) و برینت و همکاران (۲۰۰۹)، سواد رسانه با زسوترسکی (۲۰۰۱) و آلورمن و هاگودز (۲۰۰۰)، کارافرینی با اشرفی زاده (۱۳۸۱)، تجارت و مدیریت با فرهنگستان ملی مهندسی آمریکا (۲۰۰۴)، کار و تحصیل مستقل با چیکرینگ^۱ و گمسون^۲ (۱۹۸۷)، گف (۱۹۸۹) و بولتن دانشگاه ماساچوست^۳ (۱۹۹۸) منطبق است.

در طبقه مهارتهای عمومی (بخشیدن)، در شناسایی مهارت رهبری (رهبری خلاق) با راتکلیف و همکاران (۲۰۰۱)، جانسون (۲۰۰۳) و آلوی و همکاران (۲۰۰۳)، در شناسایی مهارت شهروندی با هلر (۲۰۰۱) و زسوترسکی (۲۰۰۱)، در شناسایی نوآوری ها (خلاقیت) با عارفی و همکاران (۱۳۸۸) و اشرفی زاده (۱۳۸۱) و نهایتاً در شناسایی مسئولیت و مشارکت اجتماعی با فرن و کینچ (۲۰۰۳) و گزارش یوای ای سی (۲۰۱۱) انطباق دارد.

در طبقه بعدی یعنی طبقه مهارتهای عمومی (مراقبت) در تعیین مهارتهای همکاری با آلوی و همکاران (۲۰۰۳)، جانسون (۲۰۰۳) و راتکلیف و همکاران (۲۰۰۱)، حل اختلاف با کلوت (۱۹۹۸)، سازگاری با آلبرت (۲۰۱۱)، مهارتهای انطباقی با لرد و همکاران (۲۰۰۹)، شناسایی ارزشها، اصول و اخلاق با گنسیا و سیبری (۲۰۰۲)، قضاوت اخلاقی با هاچمن (۲۰۱۲) و انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۱۳)، انتقادپذیری با جعفری و یارمحمدی واصل (۱۳۹۵) و فتحی و اجارگاه و کامکاری (۱۳۸۲)، سواد فرهنگی با گف و واسچا (۲۰۰۱) و حساسیت چند فرهنگی با ماهونی و چمبر (۲۰۰۴) مطابقت دارد.

در طبقه مهارتهای عمومی (ارتباط)، در شناسایی مهارت ارتباطات با گزارش هاروارد (۲۰۰۴) و کمیسیون بویر (۲۰۰۸)، در شناسایی دو مهارت گوش دادن و صحبت کردن با جانسون (۲۰۰۳)، هاچمن (۲۰۱۲) و آراسته (۱۳۸۷)، در مهارت سخنرانی با مازر و همکاران (۲۰۰۸) و مدنی فر و سجادیه (۱۳۸۸) و در تعیین شناخت سیستم های جهانی و آگاهی از مسائل بین المللی با زسوترسکی (۲۰۰۱) و آراسته (۱۳۸۷) همسو می باشد.

در طبقه مهارتهای عمومی (تفکر)، تحقیق حاضر در یافتن مهارت های مطالعه با وارنر و کوپل (۲۰۰۹) و قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)، در تفکر انتقادی و حل مسئله با فیوس و میشل (۲۰۱۱) و حسینی لرگانی و همکاران (۱۳۸۷)، در مهارت های تفکر با ویلیامز و استاکدل (۲۰۰۳)، کمیسیون اسپلینگز^۴ (۲۰۰۶) و زای (۲۰۱۵)، در مهارت یادگیری مادام العمر با کلر (۲۰۰۲) و جانسون (۲۰۰۳)، در مهارت نوشتن با کمیسیون ایالات مرکزی (۲۰۰۲) و انجمن دانشگاههای آمریکا (۱۹۸۵)، در مهارت خودآموزی با آلبرت (۲۰۱۱)، در یادگیری زبان خارجی با براستین (۲۰۰۷) و در تواناییهای هنری و سواد دیداری با برینت و همکاران (۲۰۰۹)، کمیسیون اسپلینگز (۲۰۰۶) و فیوس و میشل (۲۰۱۱) نتیجه مشابهی دارد.

¹ Chickering

² Gamson

³ University of Massachusetts Amherst • Assessment Bulletin

⁴ The Spellings commission

در طبقه مهارت‌های عمومی (مدیریت)، این تحقیق در یافتن مهارت های تصمیم گیری با سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)، پیتندریگ^۱ (۲۰۰۷)، ویلهلم^۲ (۲۰۰۸) و اشرفی زاده (۱۳۸۱)، مسئولیت پذیری و پویایی و انعطاف پذیری با فرهنگستان ملی مهندسی آمریکا (۲۰۰۴)، آراسته (۱۳۸۷) عبدالوهابی و همکاران (۱۳۹۲)، پژوهشگری با انجمن دانشگاه‌های آمریکا (۲۰۰۲) و هاچمن (۲۰۱۲)، سواد استدلال کمی با فیوس و میشل (۲۰۱۱) و قاسم پور و همکاران (۱۳۹۴)، توانایی فهم آمار با انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۱۳)، مدیریت زمان با چیکرینگ و گمسون (۱۹۸۷) و گلدویت و همکاران (۱۹۹۴)، سواد اطلاعاتی و سواد علمی با نیوتن (۲۰۰۰)، انجمن تحقیقاتی هارت (۲۰۰۹)، هاچمن (۲۰۱۲) و در نهایت صلاحیت (توانایی) جهانی شدن با براستین (۲۰۰۷)، آلو و همکاران (۲۰۰۳) نتیجه نزدیکی دارد.

تحقیق حاضر در شناسایی مهارت‌های عمومی (وجود داشتن)، یعنی مهارت‌های مقابله با استرس و هیجانات با سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷)، مهارت اعتماد به نفس با کلوت (۱۹۹۸)، تسوی^۳ (۲۰۰۸)، اشرفی زاده (۱۳۸۱) و آراسته (۱۳۸۷)، خود کارآمدی با تسوی (۲۰۰۸)، خودآگاهی با سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۷) و آستین (۲۰۰۴) سواد عاطفی (رشد عاطفی) با عارفی و همکاران (۱۳۸۸) منطبق است.

در آخرین طبقه از این مدل، در شناسایی مهارت‌های عمومی (زندگی کردن)، پژوهش حاضر در تعیین نظم و انضباط شخصی با گلدویت و همکاران (۱۹۹۴)، کلوت (۱۹۹۸) و همفریز و داونپورت (۲۰۰۵)، پیشگیری از مصرف موادمخدر با سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۴)، مسایل جنسیتی (پیشگیری از ایدز...) با گف (۱۹۹۱)، آشنایی با حقوق فردی و اجتماعی، حساسیت به محیط زیست، بهداشت جسم و روان و آگاهی دینی با اشرفی زاده (۱۳۸۱) و آراسته (۱۳۸۷)، مهارت تفریحی با بویر^۴ و لوین^۵ (۱۹۸۱) نتایج مشابهی دارد.

در تحقیق حاضر که با استفاده از مرور سیستماتیک ادبیات و روش دلفی (نظرخواهی از خبرگان) به انجام رسید مشخص شد که نتیجه پژوهش حاضر در شناسایی برخی مهارت‌ها با پژوهش‌های پیشین انطباق دارد که گزارش آنها در بندهای بالا ارائه گردید اما نتایج این پژوهش یافته‌هایی هم دارد که متفاوت از یافته‌های پژوهش‌های پیشین است؛

مدیریت خشم، تاب‌آوری (resiliency)، مهارت قاطعیت (نه گفتن)، هوش هیجانی، مدیریت گروه همسالان (peer pressure)، مهارت‌های (پیش از) ازدواج، مهارت حل تعارضات زناشویی، مهارت فرزند پروری، مهارت مدیریت فضای مجازی از جمله مهارت‌های عمومی زندگی هستند که پرورش آنها برای دانشجویان دوره کارشناسی لازم و ضروری بوده و در پیشینه بررسی شده مورد شناسایی قرار نگرفته است. البته گنجانده نشدن این مهارت‌ها در بین مهارت‌های عمومی توسط نویسندگان خارجی شاید به دلیل موضوعیت نداشتن برخی از آنها در آن کشورها باشد، مثلاً با توجه به بحث آزادی‌های خاصی که در خصوص فضای مجازی در آن کشورها مطرح است، آنها نیاز چندانی به مهارت مدیریت فضای مجازی با استنباطی که ما در ایران از آن داریم، ندارند. در مورد مهارت‌های (پیش از) ازدواج نیز وضعیت همین گونه است؛ یعنی محدودیت‌های تعریف شده‌ی برآمده از دین، عرف و فرهنگ ایرانی که البته در بین جوانان امروزی رفته رفته رنگ می‌بازند و تغییر ماهیت می‌دهند از گذشته‌های بسیار دور برای آنها متفاوت بوده و در نتیجه نیاز به مطرح کردن آن ندارند. فقدان مهارت‌های دیگر مانند مدیریت خشم، تاب‌آوری (resiliency)، مهارت قاطعیت (نه گفتن)، هوش هیجانی، مدیریت گروه همسالان (peer pressure) در لیست مهارت‌های عمومی نویسندگان غیر ایرانی شاید به این دلیل باشد که در مقاطع پایین‌تر (ابتدایی و دبیرستان) بر پرورش این مهارت‌ها تمرکز شده است.

خلاصه این که مهارت‌ها و ویژگی‌های عمومی که با روش‌های مختلف (مطالعه اسنادی و روش دو مرحله‌ای دلفی) مورد مطالعه و شناسایی و با نظر کارشناسان و خبرگان اعتباریابی شدند بدون تردید در دنیای پیچیده و در هم تنیده امروز و به طور ویژه در ایران در شمار نیازهای جوانان هستند و هرچه زمان می‌گذرد زندگی پیچیده‌تر، امکانات و وسایل تکنولوژیکی پیشرفته‌تر از گذشته و زندگی کردن بدون مهارت‌های عمومی جدید و منطبق بر تغییرات بسیار دشوار و دردسرساز به نظر می‌رسند.

نکته مهم دیگری که از این تحقیق نتیجه می‌شود این است که موسسات بین‌المللی و مراکز علمی مهمی چون انجمن تحقیقاتی هارت، کمیسیون ایالات مرکزی، انجمن دانشگاه‌های آمریکا، سازمان بهداشت جهانی، شورای بین‌المللی آموزش و پرورش میان فرهنگی، دانشگاه هاروارد و فرهنگستان ملی مهندسی آمریکا، مهارت‌های عمومی را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و بر یادگیری مستمر، مهارت شهروندی جهانی، حفظ محیط زیست، اعتماد به نفس، مهارت حل مسایل، کارگروهی، تفکر انتقادی، فراگیری زبان خارجی، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های ارتباطی تاکید کرده‌اند که خود حکایت از اهمیت موضوع دارد. با توجه

¹ Pittendrigh

² Wilhelm

³ Tsui

⁴ Boyer

⁵ Levine

به این که این موضوع در زمانهای مختلف توسط مراکز علمی و پژوهشی گوناگونی مورد بررسی قرار گرفته نشان دهنده این است که مهارت‌های ضروری هر عصر و دوره ای با تغییرات آن زمان تغییر می کنند و استمرار این مطالعات در آینده نیز بسیار حیاتی به نظر می رسد زیرا تغییرات هیچ گاه تمام نمی شوند و برای برخورد صحیح در زمان رویارویی با هر تغییر جدیدی مهارتی متناسب با موقعیت زمان و مکان آن نیاز است؛ مهارتی که بتواند از بروز آسیب‌های جدی به هنگام ظهور تغییرات که رفته رفته بر تعداد و شدت آنها افزوده می شود، جلوگیری نماید.

تعداد قابل توجهی از این مهارت‌های عمومی قدمتی به عمر بشریت دارد برخی از آنها نسبتاً جوان و برخی از قبیل کارافزینی، سواد کامپیوتری، سواد رسانه و مهارت مدیریت فضای مجازی کاملاً تازه و نارس هستند. انتظار می رود در تحقیقات آینده بر تعداد این مهارت‌های جدید افزوده شود.

نکته بحث برانگیز دیگری که لازم است بدان پرداخته شود این است که ممکن است برخی اشکال بگیرند که بعضی از مهارت‌های عمومی ذکر شده در این تحقیق مثل مهارت‌های مطالعه، حل مسئله، گوش دادن، صحبت کردن، ارتباطات، همکاری و کار تیمی جزء مهارت‌هایی هستند که از ابتدای آموزش به افراد یاد داده می شوند در پاسخ به باید گفت پرورش همه این مهارت‌ها در مقاطع مختلف تحصیلی در سطوح متفاوتی است که با اقتضائات همان مقطع سازگاری دارد مثلاً مهارت تصمیم‌گیری در مقطع ابتدایی و دبیرستان با دانشگاه قابل مقایسه نیست و مهارت‌های ارتباطی دانش آموز نابالغی که در دوره ابتدایی تحصیل می‌کند و هنوز وابستگی شدیدی به پدر و مادرش دارد با دانشجوی بالگی که در شرف ورود به مرحله مهمی از زندگی خویش است و احتمالاً خودش به زودی پدر یا مادری شود بسیار متفاوت است. برخی از مهارت‌ها که تا قبل از دانشگاه، در مقایسه با دوره دانشجویی کم رنگ بوده و اکنون بسیار حیاتی شده و نقش کلیدی بازی می کنند شامل تفکر انتقادی، پژوهشگری، مهارت سخنرانی، سازگاری، مسئولیت پذیری، مهارت حل اختلاف و رهبری هستند. و تعدادی از مهارت‌ها در حالت طبیعی فقط از این دوره به بعد موضوعیت پیدا می کنند که عبارتند از: مهارت‌های پیش از ازدواج، مهارت حل تعارضات زناشویی و مهارت فرزندپروری.

برخی مهارت‌های عمومی دوره دانشجویی خاص این دوره اند و برخی دیگر همان مهارت‌های مقاطع پیشین هستند با این تفاوت که انتظار می رود سطح آموزش این مهارت‌ها در دوره دانشگاه بسیار پیشرفته تر از گذشته باشد. هرچه که هست تردیدی در ضرورت یادگیری مهارت‌های عمومی زندگی وجود ندارد اما نوع مهارت‌های عمومی مورد نیاز افراد بستگی به زمان، مکان و تغییراتی که اتفاق می افتند دارد. این مهارت‌ها همیشه نیاز به بررسی، مطالعه و بروز رسانی دارند و ناگفته پیداست که پس از شناسایی آنها باید در جهت پرورش آنها تلاش نمود زیرا این مهارت‌ها آموختنی هستند؛ هلکس و ریبیلد (۲۰۰۵) می گویند توانایی تفکر انتقادی یک مهارت آموختنی است مخصوصاً برای دانشجویان مقطع کارشناسی که بسیار تحت تأثیر نگرش، تمایلات و آموزش هیات علمی هستند.

توانایی تفکر، یادگیری، بیان دقیق و خلاقانه، ظرفیت درک ایده‌ها و موضوعات مختلف، تعهد به زندگی در جامعه و آرزوی رسیدن به حقیقت از ویژگی‌های اساسی بشریت است. با تمرکز آموزش بر این خصوصیات، آموزش لیبرال بهترین سرمایه گذاری جامعه در آینده مشترک ماست (هلر، ۲۰۰۱).

پیشنهادهای کاربردی:

۱- مهارت‌های عمومی شناسایی شده در طراحی برنامه درسی برای بخش آموزش عمومی مراکز آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد.

۲- برخی از این مهارت‌ها از قبیل (گوش دادن، مهارت‌های مطالعه، کار تیمی، همکاری، نظم و انضباط شخصی، ارتباطات، سازگاری، حساسیت به محیط زیست، مسئولیت پذیری و مدیریت گروه همسالان) در طراحی برنامه درسی دوره ابتدایی لحاظ شود.

۳- برخی دیگر از مهارت‌ها مانند (خودآگاهی، تصمیم‌گیری، مدیریت زمان، پویایی و انعطاف پذیری، تنوع پذیر بودن) مهارت‌های انطباقی، مقابله با استرس، مقابله با هیجانات، مدیریت خشم، مدیریت ترس، اعتماد به نفس، بهداشت جسم و روان، آگاهی دینی، پیشگیری از مصرف موادمخدر، مسایل جنسیتی (پیشگیری از ایدز و...) و مهارت قاطعیت (نه گفتن) از جمله مهارت‌های کلیدی و ضروری برای دوره نوجوانی^۱ و دبیرستان هستند که پیشنهاد می شود در طراحی برنامه درسی دوره ی آموزش متوسطه بر آنها تمرکز شود.

¹ Teenage

۴- برنامه های جانبی (خارج از برنامه آموزشی دانشگاهها) برای ایجاد فرصتهایی برای دانشجویان به منظور پرورش مهارتهای اعتمادبه نفس و سخنرانی طراحی شود.

۵- برنامه های آموزشی خاصی برای یادگیری زبان خارجی (به ویژه زبان انگلیسی) در دانشگاهها اجرا شود.

۶- به منظور آشنایی با سازمانهای بین المللی، آگاهی از موضوعات جهانی، شناخت نسبت به تاریخ و جغرافیای کشور درسی اختیاری برای دانشجویان کارشناسی طراحی گردد.

۷- با ایجاد مشوق هایی برای کتابخوانی (برگزاری مسابقات کتابخوانی و...) و در نتیجه ایجاد عادت به مطالعه در دانشجویان، مهارت یادگیری مستمر و مادام العمر پرورش یابد.

۸- برای آشنایی با رویکردهای جدید در خصوص حفظ محیط زیست و توجه به توسعه پایدار، اجرای طرح هایی چون فرهنگ سازی از درون محیط دانشگاه از قبیل (پاکیزه نگه داشتن محیط آموزشی و خوابگاهی دانشگاه، استفاده صحیح از آب، ایجاد بستر مناسب برای استفاده از دوچرخه یا پیاده روی از ورودی دانشگاه تا کلاسها و سایر بخشها، هوشمندسازی منابع روشنایی و گرمایش و سرمایشی دانشگاه و...) پیشنهاد می شود.

۹- برای کسب مهارتهای هنری گوناگون توسط دانشجویان، با کمک گرفتن از پتانسیل موجود در میان دانشجویان، کلاسهای هنری (موسیقی، نقاشی، خطاطی و...) برگزار کنند.

۱۰- کارگاههای آموزشی توسط مشاوران خبره برای آموزش مهارتهای پیش از ازدواج، مهارت حل تعارضات زناشویی و مهارت فرزند پروری برگزار شود.

پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی:

۱- مطالعه مشابهی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی غیردولتی صورت گیرد تا امکان مقایسه نتایج با تحقیق حاضر فراهم گردد.

۲- برای بررسی وضعیت موجود آموزش عمومی در ایران، پیشنهاد می شود یک کار پژوهشی انجام شود.

۳- قبل از طراحی هر برنامه جدید برای آموزش مهارتهای عمومی، پژوهشی برای شناسایی نیازهای دانشجویان از زبان خودشان انجام شود.

۴- ویژگیهای مدرسان آموزش عمومی که بتوانند مهارتهای شناسایی شده را آموزش دهند مورد مطالعه قرار گیرند.

۵- مقایسه وضعیت موجود مهارتهای عمومی دانشجویان براساس حوزه علمی (علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی، علوم پزشکی و پیراپزشکی، علوم کشاورزی و...) پژوهشی در خور انجام است.

۶- ضعف ها و آسیب های ناشی از نداشتن مهارتهای عمومی توسط دانشجویان مطالعه شود.

۷- ارتباط بین مهارتهای عمومی دانشجویان و موفقیت ایشان در کارآفرینی مورد بررسی قرارگیرد.

۸- میزان تاثیر فقدان مهارتهای عمومی مختلف بر ایجاد و افزایش آسیب های اجتماعی (طلاق، اعتیاد، حاشیه نشینی و...) مطالعه و بررسی گردد.

منابع فارسی:

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۷). جهانی شدن و آموزش عالی در دنیای در حال تغییر، فصلنامه رهیافت. ۳۹-۴۵
- جعفری، زهرا؛ یارمحمدی واصل، مسیب (۱۳۹۵). رهیافتهایی از مهارت‌های زندگی در نهج البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه.
- دهقانی، علوی، سید مسلم، آسمانی، عارفی، ستوده، ... & صفوی. (۱۳۹۵). تحلیلی بر لزوم ارائه دروس مکمل از علوم اجتماعی و انسانی برای دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته مهندسی برق. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۸ (۷۱)، ۶۴-۴۱.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. نشر آگه. تهران.
- عارفی، محبوبه؛ قهرمانی، محمد؛ رضایی زاده، مرتضی. (1388). ضرورت و راهکارهای بهبود برنامه‌ی درسی دروس عمومی دوره‌ی کارشناسی از دیدگاه دانشجویان و اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی.
- عبدالوهابی، رومیانی، یونس، & ظریف. (۲۰۱۴). بررسی مهارت‌های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۹ (۴)، ۷۴-۵۱.
- فلاحی، آرزو؛ قهرمانی، اسماعیل؛ فلاحی، پرستو؛ زارع زاده، یدالله؛ (۱۳۹۴). شناسایی نیازهای معنوی و مهارت‌های مرتبط با آن در دانشجویان رشته بهداشت عمومی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی
- قاسم پور، عرفانه، حکیم زاده، رضوان، ملکی پور، قاسم پور، & احترام. (۲۰۱۶). مطالعه تطبیقی دروس عمومی کارشناسی در دانشگاه‌های میسوری، یوسی داویس، بیروت و تهران. پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی، ۱ (۲)، ۴۵-۲۵.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۹۲). لزوم توجه دانشکده‌های مهندسی به علوم انسانی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۶ (۶۳)، ۹-۱.
- مدنی فر، & سجادیه. (۲۰۰۹). برنامه درسی مغفول در آموزش مهندسی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۱۱ (۴۳)، ۹۸-۸۱.
- نهج البلاغه، سال چاپ ۱۳۸۵، حکمت ۱۴۹، ص ۳۸۹

English References:

- Albert, D. (2011), Ten important reasons to include the humanities in your preparation for a scientific career, Science, May 12, Available at: <http://blogs.sciencemag.org/sciencecareers/dan-alber>
- Aloi, S. L., Gardner, W. S., & Lusher, A. L. (2003). A framework for assessing general education outcomes within the majors. *The Journal of General Education*, 52(4), 237-252.

Alverman, D.E., & Hagood, M.C. (Jan/Feb 2000). Critical media literacy: Research, theory, and practice in new times. *Journal of Educational Research*, 93, 193-206.

Association of American Colleges and Universities. (1985). General education maps and markers. Retrieved from <https://www.aacu.org/gems/index.cfm>

Astin, A. W. (2004). Why Spirituality Deserves a Central Place in Liberal Education. *Liberal education*, 90(2), 34-41.

Boyer Commission. (2008). Reinventing Undergraduate Education: A blueprint for America's research universities.

Boyer, E. L., & Levine, A. (1981). A Quest for Common Learning: The Aims of General Education. A Carnegie Foundation Essay.

Brint, S. G. (Ed.). (2002). *the future of the city of intellect: The changing American university*. Stanford University Press.

Brint, S., Proctor, K., Murphy, S. P., Turk-Bicakci, L., & Hanneman, R. A. (2009). General Education Models: Continuity and Change in the U.S. Undergraduate Curriculum, 1975-2000, *The Journal of Higher Education*, Vol. 80, No. 6, pp. 605-642.

Brubacher, J. S. (1982). *On the Philosophy of Higher Education. Revised Edition. The Jossey-Bass Series in Higher Education*. Jossey-Bass Inc., 433 California Street, San Francisco, CA 94104.

Brustein, W. I. (2007). The global campus: Challenges and opportunities for higher education in North America. *Journal of Studies in International Education*, 11(3/4), 382-391. doi:10.1177/102831530733918

Chickering, A. W., & Gamson, Z. F. (1987)

. Seven principles for good practice in undergraduate education. *AAHE bulletin*, 3, 7.

Clewett, R. M. (1998). A general education focus for the coming years. *The Journal of General Education*, 47(4), 265-281.

DeBoer, G. E. (2000). Scientific literacy: Another look at its historical and contemporary meanings and its relationship to science education reform. *Journal of Research in Science Teaching: The Official Journal of the National Association for Research in Science Teaching*, 37(6), 582-601.

Deborah, J. E. (2013). The Role of General Education in the Development of Ethical Reasoning in College Students: A Qualitative Study on the Faculty Perspective. PhD dissertation. Department of Educational Administration. University of Nebraska

Gaff, J. G. (1983). *General education today: A critical analysis of controversies, practices, and reforms*. San Francisco: Jossey-Bass.

Gaff, J. G., & Davis, M. L. (1981). Student Views of General Education. *Liberal Education*

Gaff, J. G., & Wasescha, A. (2001). Assessing the reform of general education. *The Journal of General Education*, 50(4), 235-252.

Ghnassia, J. D., & Seabury, M. B. (2002). Interdisciplinarity and the public sphere. *The Journal of General Education*, 153-172.

Hart, P. (2009). Trends and emerging practices in general education. Public report sponsored by the American Association of Colleges and Universities. Retrieved from http://www.aacu.org/membership/documents/2009MemberSurvey_Part2.pdf

Hart, P. (2013). It takes more than a major: Employer priorities for college learning and success. Public report sponsored by the Association of American Colleges and Universities. Retrieved from http://www.aacu.org/leap/documents/2013_EmployerSurvey.pdf

Harvard University. Committee on the Objectives of a General Education in a Free Society. (1945). *General education in a free society: report of the Harvard Committee*. Harvard University Press.

Hachtmann, F. (2012). The process of general education reform from a faculty perspective: A grounded theory approach. *JGE: Journal of General Education, The*, 61(1), 16-38.

Hart research associates, (2009). Trends and Emerging Practices in General Education. Based on a survey among members of the association of American colleges and Universities.

Heller, R. (2001). *General Education in an Age of Student Mobility: An Invitation To Discuss Systemic Curricular Planning. The Academy in Transition*. Association of American Colleges & Universities, 1818 R Street NW, Washington, DC 20009

Hirsch, E. D., Jr. (1987). *Cultural Literacy*. Boston: Houghton Mifflin.

Humphreys, D., & Davenport, A. (2005). What Really Matters in College: How Students View and Value Liberal Education. Liberal Education & America's Promise. *Liberal Education*, 91(3), 36-43.

Johnson, D. K. "General Education 2000—A National Survey: How General Education Changed Between 1989 and 2000." Unpublished doctoral dissertation, Pennsylvania State University, 2003.

Laird, T. F. N., Niskode-Dossett, A. S., & Kuh, G. D. (2009). What general education courses contribute to essential learning outcomes? *The journal of general education*, 65-84.

Mahoney, S. L., & Schamber, J. F. (2004). Exploring the application of a developmental model of intercultural sensitivity to a general education curriculum on diversity. *The Journal of General Education*, 311-334.

Mansilla, V. B., & Jackson, A. W. (2011). *Educating for Global Competence: Preparing Our Youth to Engage the World*. Council of Chief State School Officers.

National Academy of Engineering, U. S. (2004). *The engineer of 2020: Visions of engineering in the new century*. Washington, DC: National Academies Press.

Newton, L. D. (2001). Encouraging Historical Understanding in the Primary Classroom. *Evaluation & Research in Education*, 15(3), 182-188.

Ratcliff, J. L., Johnson, D. K., La Nasa, S. M., & Gaff, J. G. (2001). The status of general education in the year 2000: Summary of a national survey. Washington D.C.: American Association of Colleges and Universities.

Sellen, M. (2002). Information literacy in the general education: a new requirement for the 21 st century. *The Journal of General Education*, 115-126.

Spellings Commission. (2006). *The Spellings Commission on the future of higher education; It's a start*. University Business, Dec 2006.

Stone, J., & Friedman, S. (2002). A case study in the integration of assessment and general education: Lessons learned from a complex process. *Assessment and Evaluation in Higher Education*, 27 (2), 199–211.

Toombs, W., Fairweather, J. S., Amey, M., and Chen, A. *Open to View: Practice and Purpose in General Education 1988: A Final Report to the Exxon Education Foundation*. University Park: Pennsylvania State University Center for the Study of Higher Education, 1989.

Trilling, B., & Fadel, C. (2009). *21st Century Skills.: Learning for Life in Our Times*. John Wiley & Sons.

Tsui, L. (2008). Cultivating critical thinking: Insights from an elite liberal arts college. *The Journal of General Education*, 200-227.

Tuttle, J.; Campbell–Heider N. and David T. M. (2006). “Positive adolescent life skills training for high- risk teens: results of group intervention study”. **Journal of Pediatric Health Care**: 20 (4): 184-191

Winter, D. G. (1981). *A New Case for the Liberal Arts. Assessing Institutional Goals and Student Development*. Jossey-Bass Inc., Publishers, 433 California Street, San Francisco, CA 94104.

World Health Organization. (1994). Life skills education for children and adolescents in schools. Pt. 3, Training workshops for the development and implementation of life skills programmes.

Zayed, K. S. (2013) The Paradox of Mortimer J. Adler: Revisiting the Distinction between Liberal and General Education.

Zeszotarski, P. (1999). Dimensions of general education requirements. *New Directions for Community Colleges*, 39-48.

Zeszotarski, P. (2001). ERIC Review: Issues in global education initiatives in the Community college. *Community College Review*, 29(1), 65-78.

Websites:

https://www.theglobaleconomy.com/rankings/human_flight_brain_drain_index/